NobonyadOnline NobonyadOnline
NobonyadOnline.ir

پنجشنبه ۱۴ آبان ۱۴۰۵
سال اول ■ شماره ۱۷۸
۸ صفحه ■ ۱۰۰۰۰ تومان

نوبنیاد

روزنامه سراسری صبح ایران



اعتراف مهم ونس: دلیل شکست ما جنگ با ایران بود

درحالی‌که شب گذشته انتشار اخبار غیررسمی درباره نزدیک شدن تهران و واشنگتن به توافق، به ابزاری برای اثرگذاری بر بازار نفت و فضای سیاسی آمریکا تبدیل شده بود، موضع صریح محسن رضایی نشان داد که ایران حاضر نیست حقوق و مطالبات خود را قربانی نمایش‌های انتخاباتی کاخ سفید کند. پس از شکست جمهوری‌خواهان سیل تحلیل‌ها و سرزنش‌ها علیه دولت ترامپ آغاز شده است. دونالد ترامپ، خود در گفت‌وگو با شبکه فاکس‌نیوز بعد از شکست وسیع در انتخابات میان‌دوره‌ای اعتراف کرد: خب، من تاحدی غافلگیر شده‌ام. فکر می‌کردم عملکرد بهتری داشته باشند.

۶



ایستاده مقابل تسلیم طلبی

رهبر معظم انقلاب در پیامی به مناسبت روز ۱۳ آبان، تاکید کردند که کمترین گرایش تسلیم آمیز به دشمن سلطه‌گر، سرمایه عظیمی را که به برکت خون شهدا و با فداکاری آحاد ملت به دست آمده برباد خواهد داد و دشمن مستکبر را برای زیاده خواهی بیشتر و جنگ ها و جسارت‌های بعدی جری تر خواهد کرد

۲

جنگ، پرده از بی‌سوادی مدعیان برداشت

پدرام حسینی
روزنامه‌نگار

جنگ ۱۲روزه، جنگ ۳۹روزه و تحولات یک سال و نیم گذشته، بیش از هر چیز صحنه آشکار شدن ضعف و بی‌اعتباری طیفی از مدعیان علم، کارشناسی و تخصص در حوزه روابط بین‌الملل و سیاست خارجی بود؛ افرادی که سال‌ها با اتکا به عناوین دانشگاهی و سوابق دیپلماتیک، برای کشور نسخه می‌پیچیدند، اما تحولات واقعی نشان داد فاصله تحلیل‌های آنان با واقعیت‌های قدرت، امنیت و معادلات منطقه‌ای تا چه اندازه عمیق است.

متن کامل در صفحه ۷



عده‌ای تلاش داشتند تا برای ترامپ پنجره فرار درست کنند

سند رسوایی دیپلماسی امتیازدهی

۷



رفراندوم علیه حماقت ترامپ درباره حمله به ایران؛

باخت تاریخی ترامپ به ایران، در انتخابات امریکا

۶

اقتصادی | صفحه ۴

کروز در مسیر سلطه بر ایران خودرو؛ نهادهای نظارتی ورود نمی‌کنند؟

خرید ۲۰ درصد سهام شرکتی که مالک بیش از ۱۰ درصد ایران‌خودرو است، درحالی در دستور کار گروه بهمن قرار گرفته که ابهام‌هایی درباره قیمت‌گذاری، منابع مالی و نحوه انجام این معامله وجود دارد.

سیاسی | صفحه ۳

سهم خواهی حامیان بازگشایی تنگه از راهبرد علی الاصول

شکست مفتضحانه جمهوری‌خواهان در انتخابات سنا و کنگره و اعتراف تاریخی رئیس جمهور جنایکار آمریکا به علت اصلی این شکست ، نشان داد که راهبرد علی الاصول و پایداری بر انسداد تنگه هرمز می‌تواند زمینه شکست دشمن و فشار بر او شود.

رهبر معظم انقلاب در پیامی به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار جهانی:

ایستاده مقابل تسلیم طلبی

حضرت آیت الله سید مجتبی خامنه ای، با بازخوانی «دهه‌ها خصومتِ آشکار آمریکا با مردم ایران در برهه های مختلف»، به «دائمی و هر روزه شدن ایّام ایستادگی و مبارزه مردم ایران با شیطان بزرگ» اشاره و تصریح کردند: دشمن، در هر مرحله‌ای با دیوار محکم واقعیّت میدانی و صخره‌های استوار اراده ملّت غیور ایران مواجه شده است. رهبر معظم انقلاب همچنین، تنها راه رسیدن به نقطهٔ بازدارندگی مطلق را، استمرار راهبرد «ایرانِ هرچه قوی‌تر» در مسیر پیشرفت همه‌جانبه دانستند و بار دیگر، بر ضرورتِ تداوم حمایت های متقابل «ملت» و «مسئولان» تاکید کردند.



متن پیام حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه ای، به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار جهانی به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحیم

امروز، روز ملّی مبارزه با استکبار جهانی و روزی است که مجموعه‌ای از نقاط عطف صف‌آرایی جبههٔ حق در مقابل جبههٔ باطل، و جبههٔ مظلوم در مقابل جبههٔ ظالم را در خود جمع نموده است. شاید بتوان گفت سیزدهم آبان امسال، ملّت ایران تکلیف خود را با امریکای جنایتکار روشن‌تر و شفّاف‌تر از هر سال دیگر می‌داند، امّا مرور ریشه‌ها، دلایل، و نقاط عطف خصومت روزافزون امریکا و صف‌آرایی مستحکم ملّت ایران در برابر آن، چراغ راه آیندهٔ این مسیر است.

بیش از هفت دهه خصومت با ملت ایران

نقطهٔ آغازین ظلم امریکا علیه ملّت ایران، به بیش از هفت دهه قبل می‌رسد؛ آنگاه که کودتای بیست‌وهشتم مرداد را برای استمرار چپاول منابع و سرمایه‌های ملّی خصوصاً نفت برپا کرد. دهه‌های بعدی تا پیروزی انقلاب اسلامی نیز دورانی بود که حکّام امریکا تلاش وافری برای غارت دارایی‌های ملّت ایران به عمل آوردند.

در این مسیر با تأسیس ساواک و مسلّط ساختن فضای سنگین امنیّتی بر جامعه، دست حکومت جائر آن زمان را برای اقدام به سرکوب هر حرکت معترضانه‌ای بازتر کردند. در آستانهٔ پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی هم از انواع ترفندها برای حفظ حکومت دست‌نشاندهٔ خود استفاده نمودند. از رفتار خصمانهٔ آنان در دوران پس از پیروزی انقلاب عظیم ملّت ایران نیز می‌توان فهرستی طویل از اقدامات ضدّ مردمی آنان را ارائه داد که شامل حمایت از گروه‌های تجزیه‌طلب و کودتاگران و منافقین کوردلی که علاوه بر نخبگان علمی، سیاسی و اجتماعی، انبوهی از مردمان عادّی را با سنگدلی به شهادت می‌رساندند؛ پشتیبانی مستقیم و همه‌جانبه از حزب بعث در جنگ تحمیلی اوّل، کشتار غیرنظامیان هواپیمای مسافربری، تحریم‌های گستردهٔ طولانی و سنگین اقتصادی، طرح ریزی و حمایت از آشوب‌ها و فتنه‌های متعدّد و حتّی پشتیبانی تسلیحاتی از آنها، ترور سردار سلیمانی قهرمان ملّی ایران و امّت اسلامی؛ دزدی اموال و دارایی‌های ملّت ایران در کشورهای مختلف؛ و سرانجام تهاجم مستقیم نظامی در جنگ‌های تحمیلی دوّم و سوّم و به شهادت رساندن جمع زیادی از نخبگان و دانشمندان و فرماندهان و خیل کثیری از مردم مظلوم ایران از نوزادان و نونهالان تا کهن‌سالان و در رأس همهٔ آنها رهبر عظیم‌القدر انقلاب اسلامی قدّس‌الله‌نفسه الزّکیّه می باشد.

دیوار محکم اراده ملت ایران

در تمام این مراحل، سردمداران مستکبر امریکا و اذناب آن همواره به دنبال تحمیل سلطهٔ خود و تسلیم ایران بوده‌اند و حتّی در آخرین نسخه‌های این زورگویی، تمامی آداب و ظواهر دروغین و فریبندهٔ بین‌المللی را کنار گذاشته و وقیحانه به دنبال تجزیهٔ کشور، زانوزدن ملّت، فروپاشی نظام، و نابودی تمدّن اصیل و کهن ایران هستند. والبته در هر مرحله‌ای با دیوار محکم واقعیّت میدانی و صخره‌های استوار ارادهٔ ملّت غیور ایران مواجه شده و نتیجهٔ محاسبات غلط و توهّمات استکباری‌شان را در سبد هزینه‌هایی سنگین بر دوش مردم امریکا و حکومت‌های دست‌نشاندهٔ دولت امریکا گذاشته‌اند.

همه روزها، روز مبارزه با شیطان بزرگ

اکنون داستان دشمنی دیرینهٔ امریکا با ملّت مسلمان ایران، و مقاومت غیورانهٔ همهٔ ایرانیان در مقابل این دشمن به جایی رسیده که نه فقط سیزدهم آبان بلکه همهٔ روزها و ساعات، ایّام ایستادگی و مبارزه با شیطان بزرگ شده است. اینک صحنهٔ خلیج فارس خصوصاً تنگهٔ هرمز همچنان که بطلان افسانهٔ شکست‌ناپذیری امریکا را رقم زده است، ضعف و زبونی حکومت‌هایی که به نیرویی جز ملّت خویش اتّکا می‌کنند، و بی‌وفایی و عجز قدرت‌های بزرگ در دفاع از حکومت‌های دست‌نشانده‌شان را نشان می‌دهد. اِعمال مدیریّت ایران بر تنگهٔ هرمز و از بین بردن پایگاه‌های نظامی امریکا در کشورهای منطقه اگر چه عکس‌العملی به تجاوز و جنایت امریکا در جنگ تحمیلی سوّم بود، امّا در عین حال جهادی ابتدایی علیه استکبار در ابعادی منطقه‌ای نیز محسوب شده که در صورت تکرار تعدّیات، ابعاد بسیار وسیع‌تری به خود خواهد گرفت. این نشانهٔ اقتدار، در کنار وحدت ساحات جبههٔ حق و حماسه‌سازی‌های هوشمندانه و مقتدرانهٔ جبههٔ مقاومت از فلسطین و لبنان تا عراق و یمن، طلیعه‌ای روشن و امیدآفرین از اعتلای پرچم جبههٔ حق و زمینه‌سازی برای نظم جدید جهانی است؛ چراکه هرگاه جبههٔ حق، توکّل و استقامت و فداکاری داشته باشد، جبههٔ باطل با هر قدرت و توان و هرکه و هرچه باشد، در برابر آن تاب نخواهد آورد و عقب‌نشینی و هزیمت، فرجام قطعی آن است که اِن الباطلَ کانَ زَهوقا.

سقوط برگشت‌ناپذیر قدرت آمریکا

بحمدالله ملّت ایران درس‌های بزرگی را از آموزه‌های اسلام ناب محمّدی صلّی‌الله‌علیه و آله و سلّم و معارف انقلاب اسلامی و مکتب رهبران حکیم خود، خمینی کبیر و خامنه‌ای شهید اعلی‌الله‌مقامهما الشّریف به‌خوبی فراگرفته و روزبه‌روز با تحقّق وعده‌های الهی، ایمانش به حقّانیّت این راه عمیق‌تر شده است. امروز در اثر رسوایی خودساختهٔ مستکبران، قدرت و سلطهٔ رو به زوال امریکا در هر دو بُعد قدرت سخت نظامی و قدرت نرم بین‌المللی دچار سقوطی برگشت‌ناپذیر شده و روند فروپاشی آن تسریع گردیده است.

امتیاز دادن، دشمن را جری‌تر می کند

اگر هنوز کسانی هستند که اندک امیدی به تغییر رفتار یا جابه‌جایی‌های حزبی و جناحی در نظام سلطه دارند و یا تصوّر می‌کنند با امتیاز دادن به امریکا می‌توانند او را از دشمنی با ملّت ایران منصرف کنند، سخت در اشتباه‌اند. این تصوّر باطل، ناسپاسی نسبت به فتوحات عظیمی است که ملّت مسلمان ایران در سایهٔ توکّل و استقامت و مجاهدت به دست آورده است. آرزوی شیطان بزرگ، تسلیم بی قید و شرط ملّت ایران است و کمترین گرایش تسلیم‌آمیز به دشمن سلطه‌گر، سرمایهٔ عظیمی را که به برکت خون شهدا و با فداکاری آحاد ملّت به دست آمده بر باد خواهد داد و دشمن مستکبر را برای زیاده‌خواهی بیشتر و جنگ‌ها و جسارت‌های بعدی جری‌تر خواهد کرد.

راه بازدارندگی مطلق؛ ایران هرچه قوی‌تر

تنها راه رسیدن به نقطهٔ بازدارندگی مطلق، استمرار راهبرد «ایران هرچه قوی‌تر» در مسیر پیشرفت همه‌جانبه بوده؛ و یکپارچگی، وحدت و انسجام اجتماعی، عنصر اصلی موفّقیّت در این مسیر می‌باشد که لازم است بر هر گفتار و کردار فردی و اجتماعی ملّت و مسئولان حاکم باشد. در این زمینه همچنان که حمایت‌های ملّت از مسئولان، امری لازم است، استمرار و ارتقاء توجّه مسئولان به خدمت مضاعف و جهادی و صمیمیّت با مردم و تأمین معیشت و آسایش و رشد مادّی و معنوی و حفظ عزّت و استقلال آنان نیز دارای اهمیّت است.

فتح خانه روشن «امید و ما می توانیم»

قشر پیشرو برای ساختن آیندهٔ روشن و شکوهمند ایران عزیز، جوانان، دانشجویان، و دانش‌آموزان‌مان هستند که می‌بایست به صورت مستمر در پی تسخیر و ویران‌سازی لانهٔ تاریک «یأس و ناامیدی و نشدن‌ها» و فتح خانهٔ روشنِ «امید و ما می توانیم» باشند. لازمهٔ این مأموریت، ورزیدگی فوق‌العاده و مجهّزشدن به انواع سلاح‌های علم و تقوا و مهارت و اخلاق و اراده و تلاش فوق‌العاده، و «هم‌عهدی» برای رسیدن به اهداف والا است.

امید است به لطف الهی و دعای سرورمان عجّل‌الله تعالی فرجه‌الشّریف، ملّت ایران پیروزی و سعادت و پیشرفت همه‌جانبه‌ای را هر چه زودتر تجربه نموده، و اسباب افول هر چه بیشتر و سریع‌تر سلطهٔ شیطان بزرگ فراهم شود. اِنّهم یَرونَهُ بعیداً و نَراهُ قریباً.

سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای ۱۳ آبان ۱۴۰۵

خبر کوتاه

مخبر: ترامپ از مردم آمریکا سیلی خورد

مشاور رهبر انقلاب به نتیجه انتخابات آمریکا واکنش نشان داد و در حساب کاربری خود نوشت: «ترامپ جنایتکار هنوع تلاش ممکن را انجام داد که حزبش پیروز شود ولی از مردمش سیلی خورد. پیروز واقعی این میدان ایران بود که هزینه جنگ را به داخل امریکا منتقل کرد.» وی افزود: «ادامه سیاست شکست خورده ترامپ باقی‌مانده حیثیت آمریکا را به برکت خون شهدا و به دست ملت ایران وجبهه مقاومت به باد خواهد داد.»

دومینوی شکست دشمنان ملت ایران

سیداحسان خاندوزی، مدیر گروه بررسی‌های اقتصادی دفتر مقام معظم رهبری در صفحه شخصی خود نوشت: پس از شکست انتخاباتی جیمی کارتر، این بار حزب ترامپ و نتانیاهو بار دیگر به دلیل رویارویی با ایران طعم شکست را چشیدند و گرفتار «دومینوی شکست‌ها» شدند. آری فرقی نمی‌کند کدام حزب برسرکار باشد؛ در نهایت مردم ایران پیروز «جنگ اراده‌ها» خواهند بود.

زاکانی: باید مراقب ایجاد خطای محاسباتی با وعده‌های آمریکا باشیم

شهردار تهران روز گذشته در مراسم روز ۱۳ آبان گفت: آنچه در انتخابات اسرائیل و آمریکا آشکار شد و شکست ترامپ در آمریکا، محصول کار شما ملت است. مشاور اوباما نیز اعلام کرد این هنر دموکرات‌ها نیست، بلکه هنر مردم ایران است که ترامپ را وادار به شکست کردند. وی تأکید کرد: ما تا امروز پیروز این جنگ هستیم، اما باید مراقب باشیم آمریکا با تهدید و ایجاد ترس یا وعده‌های توخالی و فریب، برای عده‌ای خطای محاسباتی ایجاد نکند. زاکانی همچنین تاکید کرد: امروز علاوه بر آمریکا و اسرائیل، اروپا و برخی کشورهای منطقه نیز باید درس بگیرند. آن‌ها به دنبال سرنگونی نظام اسلامی تحت عنوان «تغییر رژیم» بودند، اما امروز شرایطی در منطقه و جهان ایجاد شده که تظاهرات در اروپا ابتدای آن است.

وی افزود: اروپا و کشورهای منطقه که حامی آمریکا و میزبان پایگاه‌های آن بودند، به ملت ایران بدهکارند؛ هم باید عذرخواهی کنند و هم باید خسارت‌های ملت ایران را جبران کنند.

استراتژیست‌های «بازگشایی تنگه» درباره نتایج انتخابات آمریکا صحبت نکنند!

علی نادری، مدیر عامل سابق خبرگزاری ایرنا در حساب کاربری خود در واکنش به نتایج انتخابات آمریکا نوشت: «استراتژیست‌ها و متفکران محترمی که معتقد به لزوم گشودن تنگه هرمز در ازای برخی امتیازات موقت بودند، لطفا تا اطلاع ثانوی در باب تحلیل نتایج انتخابات امریکا سکوت پیشه کنند.»

اسماعیلی: می‌توانستیم ترامپ را با نفت ۱۳۰ دلاری ذلیل ترکنیم

وزیر ارشاد دولت سیزدهم در حساب کاربری خود نوشت: سخت نیست فهمیدن اینکه امشب، با نفت بشکه‌ای بیش از ۱۳۰ دلار، ترامپ و جمهوری‌خواهان باید خوار و ذلیل ترمی‌شدند؛ اما حیف و صد حیف! آنچه بیش از هر چیز تعجب‌آور است، بی‌توجهی مکرر در گفتار و رویکرد به منافع ملی است.

ایزدی: باید تا ۱۳ دی، مراقب بازیروانی ترامپ باشیم

دکتر فواد ایزدی، عضو هیات علمی دانشگاه تهران گفت: «تنگه هرمز را خوب نمی‌بندیم تا مذاکرات آسیب نبیند.» وی افزود: «بعضی‌ها می‌خواستند قبل از انتخابات با ترامپ مذاکره کنند تا به او کمک شود!» وی تاکید کرد: «تا ۱۳ دی که کنگره مستقر شود باید مواظب باشیم و حرف رهبری و دبیر شورای عالی امنیت ملی را حرف اصلی کشور بدانیم»

انتقاد مجلس از اصرار دولت بر گزینه پیشنهادی وزارت اطلاعات



انتقادات نمایندگان مجلس از دولت به خاطر عدم معرفی وزیر پیشنهادی اطلاعات شدت گرفته است. جوکار رئیس کمیسیون شوراها، احمدی، عضو کمیسیون امنیت ملی، یزدیان عضو کمیسیون کشاورزی مجلس از جمله نمایندگانی هستند که طی روزهای اخیر نسبت به این تاخیر اعتراض کردند. روز گذشته نیز امیرحسین ثابتی نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی در اینباره گفته است: جریانی که اراده کرده کشور در شرایط جنگی ۸ ماه وزیر اطلاعات نداشته باشد، مشکوک است. وی افزود: رئیس جمهور نباید برگزینه‌ای که رهبرانقلاب با آن مخالفت کرده‌اند اصرار کند، چنین مساله‌ای به صلاح کشور نیست.

روز گذشته همچنین محمد رشیدی عضو هیات رئیسه مجلس با اشاره به بلاتکلیفی وضعیت مدیریتی وزارت اطلاعات و ضرورت تعیین تکلیف هرچه سریع‌تر این وزارتخانه، گفت: اداره وزارتخانه‌ها با سرپرست، اصولا رویه صحیحی نیست چرا که سرپرست از اختیارات محدودی برخوردار است و در برخی موضوعات امکان ورود و تصمیم‌گیری با اختیارات کامل وزیر را ندارد؛ همین مسئله می‌تواند بر روند اداره امور و عملکرد وزارتخانه تاثیرگذار باشد.

نماینده مردم کرمانشاه در مجلس شورای اسلامی با اشاره به پایان مهلت قانونی سرپرستی وزارت اطلاعات، بیان کرد: مطابق قانون، مهلت قانونی سرپرستی به پایان رسیده و زمان تمدید آن نیز خاتمه یافته است؛ بنابراین ادامه این وضعیت قابل قبول نیست و دولت باید هرچه سریع‌تر برای تعیین تکلیف مدیریت این وزارتخانه اقدام کند.

پس از شکست انتخاباتی جنگ طلبان آمریکایی به خاطر تنگه هرمز و قیمت سوخت، حامیان تفاهم‌نامه اسلام‌آباد در پی مصادره نتیجه این انتخابات درآمدند؛

سهم خواهی حامیان بازگشایی تنگه از راهبرد علی الاصول

شکست مفتضحانه جمهوری‌خواهان در انتخابات سنا و کنگره و اعتراف تاریخی رئیس جمهور جنایتکار آمریکا به علت اصلی این شکست، نشان داد که راهبرد علی الاصول و پایداری بر انسداد تنگه هرمز می‌تواند زمینه شکست دشمن و فشار بر او شود. ترامپ روز گذشته در اعتراف به عوامل این شکست انتخاباتی در گفتگو با فاکس نیوز اذعان کرد که جنگ علیه ایران تا حدودی در شکست گسترده جمهوری‌خواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای نقش داشته است. ترامپ جنایتکار افزود: «مردم با اقدامات من در قبال ایران موافق‌اند، اما شاید آمادگی مواجهه با پیامدهای اولیه و کوتاه‌مدت آن یعنی افزایش قیمت سوخت را نداشتند. من این موضوع را درک می‌کنم، اما متأسفانه با آن موافق نیستم.»

امین مهاجر
روزنامه‌نگار

اما در این میان، بویژه در خصوص ابعاد رسوایی ترامپ و جمهوری‌خواهان، این پرسش مطرح است که اگر همچنان قرار بود بر مدار دیپلماسی اسلام‌آباد و پایبندی به تفاهم‌نامه متلاشی شده‌ای که بارها مایه ضعیف‌نمایی و ضرر به کشور شده بود، بچرخیم، آیا امروز این رسوایی و شکست تاریخی برای جمهوری‌خواهان پیش می‌آمد؟ به تعبیر دیگر از همان ابتدای جنگ رمضان و حتی در زمان جنگ ۱۲ روزه نیز، جریان سازش و واداده در کشور با راهبرد و خطی که ظریف، درمقاله خود در فارن افرز صریحا اعلام کرد در پی تئوریزه سازی برای بازگشایی تنگه هرمز درآمدند.

ظریف در فارن افرز و همچنین در ماجرای تطهیرسازی از ترکمنچای قاجار، بارها با اظهاراتی ضدملی نسخه «بدهیم برود» را برای کشور پیچیده بود. بویژه که او در فارن افرز نوشته بود: «تهران باید از برتری خود نه برای ادامه جنگ، بلکه برای اعلام پیروزی و دستیابی به توافقی استفاده کند که هم این درگیری را پایان دهد و هم از وقوع درگیری بعدی جلوگیری کند.» وی همچنین بازگشایی تنگه هرمز را پیشنهاد داده بود و تاکید کرده بود: «ایران، با همکاری عمان، باید عبور امن کشتی‌های تجاری از تنگه هرمز را تضمین کند.»

از سوی دیگر در شرایطی کنونی و درحالی که راهبرد مقاومت و ایستادگی بر تنگه هرمز لرزه بر پیکر ترامپ و جنگ طلبان آمریکایی انداخته است، برخی از عاملان و بانیان تفاهم‌نامه اسلام آباد که ضررهایی زیادی به کشور وارد ساخته‌اند یا سکوت پیشه کرده‌اند و یا با رویکردی عجیب میخواهند از نتایج انتخابات آمریکا برای خود دستاوردسازی کنند.

محمد جواد ظریف روز گذشته، در پاسخ به سوال یک خبرنگار درباره مذاکرات و سالروز ۱۳ آبان و استکبارستیزی که همزمان با شکست انتخاباتی جمهوری خواهان همراه بود، اظهار کرد: «ولم کن» و با اعتنایی از جمع خبرنگاران فرار کرد و از پاسخگویی طفره رفت.

علاوه براین برخی از عوامل تفاهم‌نامه اسلام آباد نیز در پی نتایج انتخابات آمریکا و شکست تاریخی جمهوری خواهان، سعی بر دستاوردسازی از این شکست عاملان شهادت رهبر انقلاب برای خود داشتند.

دراین میان واکنش رئیس تیم مذاکره کننده کشورمان و مشاور او انتقادبرانگیز شد. محمد باقر قالیباف در واکنش تلویحی به نتایج انتخابات آمریکا، با اشاره به خواست عمومی مردم این کشور در مخالفت با جنگ نسبت به جنگ طلبی دولت آمریکا در پیامی در حساب شخصی خود در شبکه ایکس نوشت: «چه از روی وجدان و چه از فشار خرج و مخارج زندگی، مردم آمریکا به جنگ «نه» گفتند و ما هم این پیام را تأیید می کنیم. اگر دولت آمریکا به خواست عمومی مردم خود خیانت کند تا به اربابان و باج گیران بین المللی خدمت کند، خواهد فهمید پاسخ ما به کابوسی برای دولت آمریکا تبدیل خواهد شد.» همچنین مشاور قالیباف یعنی مهدی محمدی اظهار داشت که «شکست انتخاباتی ترامپ بخشی از انتقام بود» وی در حساب کاربری خود نوشت: «شکست حیثیتی جریان حامی ترامپ جنایتکار نتیجه خون امام شهید، مقاومت مردمی، رشادت رزمندگان و بخشی از انتقام تاریخی ملت ایران از سردمداران ترور و جنایت است. این مسیر ادامه دارد و به‌زودی اخراج آمریکا از منطقه بخش دیگری از روند انتقام خواهد بود».

قالیباف که در کنار ارگان‌های رسانه‌ای و چهره‌های برجسته جریان اصلاحات از جمله ظریف، کرباسچی، مرعشی و پزشکیان بارها سند فاجعه‌بار اسلام‌آباد را «افتخارآمیز» دانسته بود و در عین حال این تفاهم‌نامه منجر به کمک بزرگی به ترامپ برای کنترل بازار انرژی شده بود، چگونه میتواند از سیلابی که انسداد تنگه هرمز بر پیکره جمهوری خواهان انداخته است به دنبال ماهی گیری باشد؟!

بنابراین در شرایط کنونی جریانی که با راهبرد «بدهیم برود» «گشودن تنگه هرمز» تفاهم‌نامه زیانبار اسلام‌آباد را که مبنای آن همین راهبرد بود را بر کشور تحمیل کردند، نمیتوانند در شب پیروزی ایران و شکست هیمنه عاملان شهادت رهبر انقلاب، برای خود تحلیل پیروزی کنند و جشن پیروزی بگیرند!



ایران پیروز انتخابات آمریکا بود

شکست جمهوری خواهان با واکنش های متعددی همراه بود، تریتا پارسی، تحلیلگر مسائل بین الملل نوشت: بیایید صادق باشیم. دموکرات‌ها در انتخابات میان‌دوره‌ای پیروز نشدند، ایران پیروز شد.

یادداشت

هیمنه آمریکا زیر ضرب مقاومت ملت ایران

سپهر خلجی
رئیس شورای اطلاع رسانی دولت سیزدهم

شکست تحقیرآمیز ترامپ در آمریکا در حالی رقم خورد که او همه ابزار و امکاناتش را برای جلوگیری از این تحقیر تاریخی بکار گرفت. از سفرهای پرحجم انتخاباتی خود و معاونش تا پول پاشی و دلقکبازی روی استیج و تبلیغات دروغ در مورد پیروزی در جنگ. او که سال قبل از روی حماقت و محاسبات اشتباه با هدف براندازی جمهوری اسلامی به ایران حمله کرد، عملا براندازی خود، حزب جمهوری خواه و اعتبار آمریکا را رقم زد. با ایستادگی مردم ایران هیمنه آمریکا در دنیا فروریخت، حالا گام پایانی باید جمع کردن بساط هیمنه‌سازان آمریکا در داخل باشد. امروز رویارویی ایران و آمریکا تبدیل به جنگ تنظیم جایگاه در معادلات بین المللی شده. این جنگ، جنگ ترسیم نظم جدید است. ترامپ اگر با این شکست تحقیرآمیز در ادامه ناچار به عقب نشینی شود دیگر شکست ترامپ فقط شکست جمهوری خواهان نخواهد بود، بلکه شکست بین المللی آمریکا و پایان قطعی هژمونی آن در جهان است. باید شکست هژمونی آمریکا را به یک امر واقع تبدیل کنیم.

خبر کوتاه

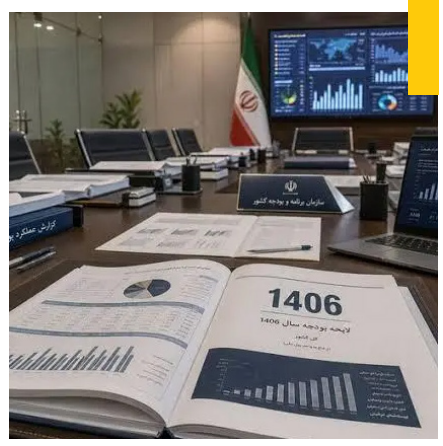
خضریان: مردم مبعوث ایران با ایستادگی خود معادلات جنگ را تغییر دادند

علی خضریان، نماینده مردم تهران با حضور در نشست جمعی از فعالان و میدان‌داران تجمعات مردمی سراسر کشور با اشاره به مناسبت ۱۳ آبان و روز ملی استکبارستیزی، گفت: ایران امروز در حالی در برابر یکی از بزرگ‌ترین قدرت‌های نظامی تاریخ ایستاده است که این ایستادگی و مقاومت این مردم در طول تاریخ ایران نظیری برایش پیدا نمی‌کنیم. خضریان با بیان اینکه در گذشته، ایران در برابر قدرت‌های خارجی تجربه‌های تلخی داشته است، گفت: تاریخ را که مرور می کنیم شاهد شکست‌های متعددی در دوران قاجار تا اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ هستیم و باید بپذیریم که در گذشته یا اراده‌ای برای مقاومت وجود نداشت و یا اگر اراده‌ای هم بود، توانایی تحقق آن اراده فراهم نبود. نمونه‌اش عباس میرزا در جنگ‌های ایران و روس است که اراده‌ای برای ایستادن داشت، اما امکانات و توان لازم را در اختیار نداشت. وی با اشاره به وقایع جنگ تحمیلی سوم، گفت: ایران در طول این جنگ در مقابل ارتشی ایستاد که قطعاً از ارتش روسیه تزاری دوران ترکمنچای و گلستان نیز قدرتمندتر است. اما در وضعیت امروز ایران اتفاق متفاوتی رخ داده و آن این بود که مردم ایران هم اراده کردند و هم توانستند و نکته مهم‌تر این است که این توانایی حتی در شرایطی بروز کرده که جامعه در غیاب بالاترین مقام رسمی کشور و فرمانده کل قوا رقم خورد و این مردم بودند که با حضور منسجم خود در سطح میادین و خیابان انسجام خود را حفظ کردند.

صدور بیش از ۲۳۴ کیفرخواست در پرونده‌های جنایات جنگی

روز گذشته، علی صالحی دادستان تهران بزرگ، با اشاره به فرمایش رهبر شهید انقلاب اسلامی مبنی بر اینکه یقه این جنایتکاران را بگیرید حتی اگر ۲۰ سال طول بکشد، گفت: در اجرای منویات امام و قائد عظیم‌الشأن شهیدمان و دستور اکید ریاست قوه قضاییه، دادسرای تهران مأمور رسیدگی به پرونده‌های کیفری در حوزه جنگ در سراسر کشور شد. وی افزود: در این راستا جلسات متعددی برگزار شد، مقدمات لازم فراهم و هماهنگی‌های لازم با دستگاه‌هایی که در این حوزه فعالیت داشتند و همچنین با ضابطان قضایی انجام گرفت. این پرونده‌ها به صورت جدی در دادسرای ویژه مورد رسیدگی قرار گرفت و اکنون بالغ بر ۲۳۴ فقره کیفرخواست صادر و جهت رسیدگی به دادگاه ارسال شده است.

کروز در مسیر سلطه بر ایران خودرو؛ نهادهای نظارتی ورود نمی‌کنند؟



خرید ۲۰ درصد سهام شرکتی که مالک بیش از ۱۰ درصد ایران خودرو است، در حالی در دستور کار گروه بهمن قرار گرفته که ابهام‌های متعددی درباره قیمت‌گذاری، منابع مالی و نحوه انجام این معامله وجود دارد. تعارض منافع یکی از مهم‌ترین نگرانی‌ها در واگذاری مدیریت بنگاه‌های اقتصادی است؛ به‌ویژه زمانی که یک قطعه‌ساز، هم‌زمان در جایگاه تأمین‌کننده قطعات و تصمیم‌گیرنده در بزرگ‌ترین خودروساز کشور قرار گرفته است. پس از واگذاری مدیریت ایران خودرو به کروز و شرکای آن در بهمن ۱۴۰۳، اقدامات جدید این قطعه‌ساز برای افزایش سهم خودش در این خودروساز، بار دیگر نگرانی‌ها درباره گسترش نفوذ کروز و تشدید انحصار در صنعت خودرو را افزایش داده است. شرکت بهمن موتور با انتشار اطلاعیه‌ای در سامانه کدال اعلام کرد که برنده مزایده خرید ۲۰ درصد سهام شرکت سپهر کیش ایرانیان شده و باید ظرف ۱۴ روز کاری، پس از کسر سپرده نقدی، مبلغ قرارداد را پرداخت کند تا این انتقال، قانونی سهام نهایی شود. اهمیت این معامله از آن جهت است که سپهرکیش ایرانیان مالک ۱۰.۳۱۹ درصد سهام ایران خودرو است و بهمن موتور نیز هم‌اکنون ۴.۰۶۸ درصد این خودروساز را در اختیار دارد. از سوی دیگر، ۷۰ درصد سهام بهمن موتور متعلق به کروز است؛ بنابراین نهایی شدن این معامله می‌تواند سلطه کروز بر ایران خودرو را افزایش دهد.

اما این قرارداد ابهام‌های مهمی دارد، زیرا گروه بهمن تاکنون درباره میزان ارزش و جزئیات این معامله توضیح شفافی ارائه نکرده است. از سوی دیگر، توقف ۱۰ ماهه واگذاری سهام کارکنان ایران خودرو و صدور مجوز انجام معامله با همان قیمت قبلی، در شرایطی که نرخ ارز و قیمت محصولات ایران خودرو افزایش قابل توجهی داشته، پرسش‌های دیگری درباره نحوه قیمت‌گذاری و حفظ حقوق بیش از ۷۰ هزار نفر از کارکنان ایجاد کرده است.

با توجه به حساسیت این معامله و احتمال تأثیر آن بر ترکیب مدیریتی ایران خودرو، ضروری است قوه قضائیه و سازمان بازرسی کل کشور به موضوع ورود کنند و ابعاد حقوقی، مالی و نحوه قیمت‌گذاری آن را بررسی کنند. سازمان بورس نیز باید درباره منابع مالی معامله، دلایل توقف ۱۰ ماهه و اطلاع‌رسانی به سهامداران شفاف‌سازی کند. هر چند این سازمان به پرونده خرید ۲۰ درصد سهام شرکت سپهرکیش ایرانیان ورود کرده و با طرح پرسش‌هایی ابهام خود نسبت به این واگذاری را اعلام کرده است.

موج خبر

عقب‌نشینی دولت از وعده کالابرگ همگانی

جملات رئیس جمهور در ویدئویی که این روزها بازتاب گسترده‌ای داشته، از برنامه دولت برای حذف کالابرگ دهک‌های پردرآمد حکایت دارد. در این ویدئو، معاون اجرایی رئیس جمهور در فکر فرو رفته و رئیس دفتر رئیس جمهور نیز ظاهراً با نگرانی روی میز ضرب گرفته است. در همین حال، مسعود پزشکیان می‌گوید: «از هر کسی باید قطع کنم، قطع می‌کنم. پول که ندارم، همینی که هست. اگر اینی که دارم این است، پس اول باید او (طبقه کم‌درآمد) را ببینم. حالا این (طبقه با درآمد بالا) ناراحت می‌شود. می‌خواهی آرام بروی، آرام می‌روم، تند بروی تند می‌روم، اما او که دارد له می‌شود را نباید بگذاریم له شود.» این اظهارات رئیس جمهور درباره تصمیم جدید دولت در زمینه کالابرگ است؛ موضوعی که در میان حرکات دست رئیس دفتر رئیس جمهور چندان مورد توجه قرار نگرفت. با کنار هم قرار دادن سخنان پزشکیان و مصاحبه‌های سید حمید پورمحمدی رئیس سازمان برنامه و بودجه می‌توان دریافت که دولت با استناد به کمبود منابع، قصد دارد با حذف کالابرگ دهک‌های پردرآمد، منابع را برای افزایش اعتبار کالابرگ دهک‌های کم‌درآمد را تأمین کند.

این در حالی است که در ابتدای زمستان سال گذشته، هنگامی که دولت تصمیم به حذف ارز ترجیحی و پرداخت منابع حاصل از آن در قالب کالابرگ گرفت، طبق اظهارات سید علی مدنی‌زاده وزیر اقتصاد کالابرگ حق شهروندی است و قرار بود این حمایت به همه مردم اختصاص یابد. همچنین سخنگوی دولت وعده داده بود مبلغ کالابرگ به‌صورت مستمر متناسب با تورم به‌روزرسانی شود. خبرگزاری فارس نیز گزارش داد که دولت فهرستی شامل ۲۳ شرط تهیه کرده تا بر اساس آن خانواده‌های پردرآمد را شناسایی و کالابرگ آنها را حذف کند. بررسی‌ها نیز نشان می‌دهد نیمی از جمعیت شهر تهران ممکن است بر اساس شروط جدید دولت مشمول حذف کالابرگ شوند. به این ترتیب، احتمال دارد حمایت معیشتی حتی از برخی خانوارهای نیازمند نیز گرفته شود.

از سوی دیگر، طبق گزارش مرکز پژوهش‌ها، صداقت دولت مهم‌ترین رکن اجرای اصلاحات اقتصادی است و خدشه‌دار شدن اعتماد عمومی می‌تواند امکان اجرای اصلاحات را از بین ببرد. مجید شاکری، اقتصاددان، معتقد است درباره آثار اقتصادی جنگ بزرگ‌نمایی می‌شود و دولت همچنان منابع مالی در اختیار دارد که می‌تواند بدون ایجاد تورم، نه تنها اعتبار کالابرگ را افزایش دهد، بلکه مبلغ بیشتر را به همه مردم اختصاص دهد. بر اساس گزارش کارشناسان، تنها از محل افزایش نرخ ارز و جبران ریالی منابعی که پیش‌تر برای تأمین کالاهای اساسی هزینه می‌شد، امکان افزایش ۵۰۰ هزار تومانی اعتبار کالابرگ برای تمام مردم وجود دارد.

مرکز آمار ایران گزارش داد؛

تشدید روند موج گرانی از کارخانه به خانه

گزارش جدید مرکز آمار ایران از وضعیت تورم تولیدکننده در تابستان امسال، از تداوم فشار سنگین افزایش قیمت‌ها در بخش‌های مختلف اقتصاد ایران حکایت دارد؛ به‌طوری‌که تورم نقطه‌به‌نقطه در صنعت به ۱۴۷.۳ درصد، در برق به ۱۱۱.۲ درصد و در معدن به ۱۰۷.۷ درصد رسیده است. بخش خدمات نیز با تورم نقطه‌به‌نقطه ۶۷.۵ درصدی روبه‌رو بوده است. اگرچه در برخی بخش‌ها شتاب افزایش قیمت‌ها در مقایسه با فصل قبل کاهش یافته، اما آمارها نشان می‌دهد هزینه‌های تولید همچنان در حال افزایش است که تشدید فشارهای تورمی (تداوم موج گرانی) به خانوارها را به دنبال دارد.



نیما سهیلی
روزنامه‌نگار

گزارش جدید مرکز آمار ایران از شاخص قیمت تولیدکننده بخش صنعت در تابستان ۱۴۰۵ نشان می‌دهد افزایش قیمت محصولات صنعتی همچنان با شدت ادامه دارد؛ به‌طوری که تورم نقطه‌به‌نقطه تولیدکننده صنعتی به ۱۴۷.۳ درصد رسیده است. این رقم به معنای آن است که تولیدکنندگان در تابستان امسال محصولات خود را ۱۴۷.۳ درصد گران‌تر از تابستان سال گذشته تولید کرده‌اند.

همچنین تورم فصلی صنعت ۲۸ درصد و تورم سالانه آن ۹۷.۳ درصد اعلام شد. به بیان ساده، قیمت دریافتی از صنایع در تابستان امسال نسبت به بهار ۲۸ درصد افزایش یافته و میانگین قیمت‌ها در چهار فصل منتهی به پایان تابستان (سالانه) نیز نسبت به چهار فصل مشابه سال قبل ۹۷.۳ درصد بیشتر شده است. مقایسه آمار تابستان با بهار امسال نشان می‌دهد اگرچه تورم فصلی صنعت کاهش یافته، اما تورم نقطه‌به‌نقطه و سالانه روندی افزایشی داشته است. تورم فصلی تولیدکننده از ۳۶.۲ درصد در بهار به ۲۸ درصد در تابستان رسیده و ۸.۲ واحد درصد کاهش یافته است. با این حال، تورم نقطه‌به‌نقطه از ۱۰۹ درصد به ۱۴۷.۳ درصد افزایش پیدا کرده و ۳۸.۳ واحد درصد بیشتر شد. تورم سالانه نیز با رشد ۲۶.۴ واحد درصدی از ۷۰.۹ درصد در بهار به ۹۷.۳ درصد در تابستان رسیده است. البته کاهش تورم فصلی به معنای ارزان شدن کالاهای صنعتی نیست، بلکه فقط از کمتر شدن سرعت افزایش قیمت‌ها نسبت به فصل قبل حکایت دارد.

بررسی جزئیات تورم در گروه‌های صنعتی نشان می‌دهد برخی بخش‌ها با افزایش بسیار شدید قیمت‌ها روبه‌رو شده‌اند. در تابستان امسال بیشترین تورم فصلی با ۸۰.۲ درصد به گروه ساخت کک و فرآورده‌های حاصل از پالایش نفت اختصاص داشته است. این رقم به معنای افزایش بیش از ۸۰ درصدی قیمت دریافتی تولیدکنندگان این گروه تنها در فاصله بهار تا تابستان امسال است. پس از آن، گروه ساخت چوب و فرآورده‌های چوبی با تورم فصلی ۲۸.۵ درصد، سایر تجهیزات حمل‌ونقل با ۲۶.۸ درصد، ماشین‌آلات و تجهیزات با ۲۵.۴ درصد و مواد شیمیایی با ۲۵.۳ درصد قرار گرفته‌اند. از نظر تورم نقطه‌به‌نقطه نیز گروه ساخت فرآورده‌های توتون و تنباکو با ۲۱۶.۸ درصد بیشترین افزایش را ثبت کرده است. گروه کک و فرآورده‌های حاصل از پالایش نفت با ۱۹۹.۱ درصد، لاستیک و پلاستیک با ۱۸۱.۳ درصد، چوب و فرآورده‌های چوبی با ۱۷۷ درصد و منسوجات با ۱۶۹.۳ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند. در مقابل، کمترین تورم نقطه‌به‌نقطه با ۸۴ درصد مربوط به گروه ساخت سایر محصولات کانی غیرفلزی بوده است.

تورم محصولات غذایی از ۱۳۷ درصد گذشت

نکته قابل توجه در گزارش مرکز آمار، افزایش قابل توجه قیمت محصولات صنایعی است که ارتباط مستقیمی با زندگی روزمره مردم دارند. تورم نقطه‌به‌نقطه تولید محصولات غذایی به ۱۳۷.۲ درصد رسیده است. این رقم برای پوشاک ۱۰۳.۶ درصد، منسوجات ۱۶۹.۳ درصد، محصولات دارویی ۱۳۴.۱ درصد و تجهیزات برقی ۱۴۷ درصد اعلام شده است. همچنین تورم نقطه‌به‌نقطه تولید وسایل نقلیه موتوری به ۱۱۱.۱ درصد رسیده است. این آمار نشان می‌دهد افزایش قیمت‌ها به بخش‌های مختلف صنعت، از صنایع غذایی و پوشاک گرفته تا دارو، تجهیزات برقی و خودرو، گسترش یافته است.

تشدید گرانی در هتل‌ها و رستوران‌ها

افزایش قیمت‌ها تنها به بخش صنعت محدود نمانده و بخش خدمات نیز با موج قابل توجهی از تورم روبه‌رو شده است. در گزارش مرکز آمار تورم نقطه‌به‌نقطه این بخش ۶۷.۵ درصد، تورم فصلی ۱۶.۴ درصد و تورم سالانه ۵۵.۹ درصد اعلام شد. به این ترتیب، هزینه ارائه خدمات در تابستان امسال نسبت به فصل مشابه سال گذشته ۶۷.۵ درصد افزایش یافته است. مقایسه آمار تابستان با بهار نشان می‌دهد تورم فصلی خدمات اندکی کاهش یافته، اما تورم نقطه‌به‌نقطه و سالانه همچنان در مسیر صعودی قرار دارد. تورم فصلی از ۱۶.۹ درصد در بهار به ۱۶.۴ درصد در تابستان رسیده و ۰.۵ واحد درصد کاهش یافته است. در مقابل، تورم نقطه‌به‌نقطه از ۵۸ درصد به ۶۷.۵ درصد افزایش یافته و ۹.۵ واحد درصد بیشتر شده است. تورم سالانه نیز با افزایش ۶.۶ واحد درصدی از ۴۹.۳ درصد به ۵۵.۹ درصد رسیده است. بیشترین افزایش قیمت فصلی با ۴۵.۲ درصد به فعالیت‌های اداری و خدمات پشتیبانی اختصاص دارد. در مقابل، گروه آموزش با تورم فصلی ۵.۵ درصد کمترین افزایش را تجربه کرده است. از نظر تورم نقطه‌به‌نقطه نیز فعالیت‌های خدماتی مربوط به تأمین جا و غذا با ۱۰۴.۸ درصد در صدر قرار دارند و فعالیت‌های بیمه با ۳۳.۵ درصد کمترین تورم را ثبت کرده‌اند. در محاسبه تورم سالانه نیز فعالیت‌های خدماتی مربوط به تأمین جا و غذا با ۸۰ درصد بیشترین افزایش قیمت را داشته‌اند. در مقابل، گروه اطلاعات و ارتباطات با تورم سالانه ۳۶.۴ درصد کمترین افزایش را در میان گروه‌های خدماتی تجربه کرده است.

جهش ۱۰۷ درصدی قیمت تولیدات معدنی

بخش معدن نیز در تابستان امسال با افزایش قابل توجه قیمت‌ها روبه‌رو شده است. براساس این گزارش، تورم نقطه‌به‌نقطه این بخش به ۱۰۷.۷ درصد رسیده؛ یعنی قیمت دریافتی تولیدکنندگان محصولات معدنی در تابستان امسال نسبت به مدت مشابه سال گذشته بیش از ۲ برابر شده است. تورم فصلی بخش معدن نیز در تابستان به ۲۵.۴ درصد رسیده که در مقایسه با تورم ۱۸.۲ درصدی بهار، ۷.۲ واحد درصد افزایش یافت. همچنین تورم سالانه این بخش با رشد ۱۸.۷ واحد درصدی از ۵۸.۷ درصد در بهار به ۷۷.۴ درصد در تابستان رسیده است. کانه‌های فلزی بیشترین افزایش قیمت را در میان گروه‌های این بخش تجربه کرده‌اند. تورم فصلی این گروه ۲۶.۹ درصد، تورم نقطه‌به‌نقطه آن ۱۱۵.۹ درصد و تورم سالانه آن ۸۲.۱ درصد بوده است. در مقابل، گروه زغال‌سنگ با تورم فصلی ۱۱.۱ درصد کمترین افزایش را در این دوره ثبت کرده است. همچنین گروه سایر معادن با تورم نقطه‌به‌نقطه ۵۱.۴ درصد و تورم سالانه ۴۰.۴ درصد، کمترین افزایش قیمت را در میان گروه‌های معدنی داشته است. افزایش بیش از ۱۰۰ درصدی تورم تولیدکننده در بخش معدن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا محصولات معدنی در زنجیره تأمین بسیاری از صنایع نقش دارند.

تورم ۱۱۱ درصدی در بخش برق

طبق گزارش مرکز آمار ایران، شاخص قیمت تولیدکننده بخش برق نیز ۷۷۰.۲ واحد رسیده و تورم نقطه‌به‌نقطه آن ۱۱۱.۲ درصد اعلام شد. همچنین تورم سالانه این بخش ۷۶.۸ درصد و تورم فصلی آن ۲۴.۴ درصد بوده است. نکته قابل توجه در آمار برق، کاهش شدید تورم فصلی در مقایسه با بهار امسال است. تورم فصلی تولیدکننده برق از ۶۵.۷ درصد در بهار به ۲۴.۴ درصد در تابستان رسیده و ۴۱.۳ واحد درصد کاهش یافته است. در مقابل، تورم نقطه‌به‌نقطه برق از ۸۴.۹ درصد در بهار به ۱۱۱.۲ درصد در تابستان رسیده و ۲۶.۳ واحد درصد افزایش یافته است. تورم سالانه نیز با رشد ۹ واحد درصدی از ۶۷.۸ درصد به ۷۶.۸ درصد ثبت شده است.

انتقال موج گرانی ارز به خانوارها

روند افزایشی نرخ ارز رسمی از اصلی‌ترین عوامل تشدید فشار هزینه‌ها بر تولیدکنندگان است؛ به‌طوری‌که نرخ فروش حواله دلار در مرکز مبادله ارز و طلای ایران از حدود ۶۹ هزار و ۸۵۴ تومان در ۳۰ شهریور ۱۴۰۴ به ۱۳۷ هزار و ۴۷۳ تومان در نخستین روز فروردین امسال و به ۱۸۹ هزار تومان در روز گذشته (۱۳ آبان) رسیده؛ یعنی نرخ دلار رسمی از ابتدای امسال تاکنون ۳۷.۲ درصد افزایش یافته و در مقایسه با شهریور سال گذشته بیش از ۱۷۰ درصد گران‌تر شده است. این روند، حاصل مسیر سیاست ارزی دولت چهاردهم و افزایش تدریجی نرخ ارز رسمی است؛ سیاستی که آثار آن در رشد هزینه واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای و در نهایت، جهش تورم تولیدکننده نمایان شده است. مجموع آمارهای مرکز آمار از تورم تولیدکننده نشان می‌دهد بخش‌های مختلف اقتصاد ایران با فشار افزایش قیمت روبه‌رو هستند؛ فشاری که در بازار مصرف اثر می‌گذارد؛ زیرا وقتی هزینه تولید محصولات در کارخانه با چنین سرعتی (تورم ۱۴۷.۳ درصد صنعت) افزایش پیدا می‌کند، این افزایش هزینه به قیمت کالا منتقل خواهد شد و خودش با یک تاخیر چندماهه را در سفره خانوار (تورم مصرف‌کننده) نشان خواهد داد.

بررسی بخشنامه تدوین لایحه بودجه سال ۱۴۰۶ نشان می‌دهد؛

گرانی محصول غفلت پاستور

بخشنامه بودجه ۱۴۰۶ درحالی با وعده مهار تورم، ثبات اقتصادی و حمایت از معیشت خانوارها از سوی رئیس دولت چهاردهم ابلاغ شده که در ترسیم مسیر اقتصاد سال آینده، نشانی از بازنگری جدی در سیاست‌های اقتصادی دولت دیده نمی‌شود. این سند، اگرچه جنگ، تحریم و ناترازی‌های ساختاری را از عوامل اصلی مشکلات اقتصادی معرفی می‌کند، اما درباره سهم تصمیمات دولت در تشدید تورم، بی‌ثباتی ارزی، کاهش قدرت خرید مردم و ضرورت اصلاح آن‌ها سکوت کرده است؛ رویکردی که این نگرانی را ایجاد می‌کند که دولت به‌جای آسیب‌شناسی خطاهای گذشته، درحال آماده‌سازی زمینه تکرار آن‌ها در بودجه سال آینده است.



هادی مولایی
روزنامه‌نگار

بخشنامه بودجه ۱۴۰۶ از سوی رئیس جمهور برای تدوین این لایحه ابلاغ شد. این سند نشان‌دهنده دیدگاه سیاست‌های دولت در سال آینده کشور است. دولت در متن این بخشنامه، صرفاً جنگ، محاصره دریایی، تحریم و ناترازی‌های ساختاری را به‌عنوان عوامل فشار بر اقتصاد معرفی کرده و سند، ارزیابی مشخصی از سهم تصمیم‌ها و سیاست‌های خودش در تشدید یا تعدیل مشکلات ارائه نداده و نمی‌دهد. در اینکه عواملی مانند جنگ و تحریم در روندهای اقتصادی تأثیرگذارند، شکی وجود ندارد، اما روند شاخص‌های کلان اقتصاد کشور طی دو سال گذشته نشان می‌دهد که در موارد متعددی، سیاست‌های داخلی اعمال‌شده توسط قوه‌ی مجریه، آثار بسزایی بر ایجاد، تداوم و حتی تشدید مشکلات اقتصادی داشته‌اند. در چنین شرایطی، این نگاه که تمام مشکلات کشور فقط و فقط سرمنشأ خارجی دارد، بسیار نگران‌کننده است. در سند نوشته‌شده از محدودیت منابع ارزی و ضرورت مهار تورم سخن گفته می‌شود، اما درباره آثار تغییرات سیاست ارزی، نحوه‌ی مدیریت نرخ‌های رسمی و غیررسمی و پیامدهای تصمیمات اتخاذشده در گذشته، توضیح روشنی وجود ندارد.

وقتی دولت از ارزیابی عملکرد خود عبور می‌کند

یکی از اصولی که باید در تدوین سند بودجه سال آینده به آن توجه جدی شود، ارزیابی آثار تصمیمات و سیاست‌های اعمالی سال گذشته بر اقتصاد کشور است. همان‌طور که گفته شد، آثار سیاست‌های سال گذشته دولت چهاردهم باید به‌دقت ارزیابی شود. وقتی که دولت در بخشنامه ابلاغ‌شده هیچ اشاره‌ای به سیاست‌های ارزی خودش (گران‌سازی ارز) ندارد، یعنی ارزیابی درستی از آثار سیاست‌های ارزی دی‌ماه ۱۴۰۴ بر اقتصاد کشور و موج گرانی‌ها نداشته است. سیاست ارزی در حال حاضر بخش مهمی از التهابات اقتصادی کشور را رقم می‌زند. تغییرات در سیاست ارزی و نحوه مدیریت و تعیین نرخ ارز رسمی، به دلیل آثاری که بر تورم مواد اولیه وارداتی و به‌تبع آن بر هزینه‌های تولید دارد، آثار تورمی شدیدی را به کشور تحمیل می‌کند؛ و اگر ارزیابی درستی از آثار آن وجود نداشته باشد، یا حتی به نحوی آثار آن انگاشته نشود و در اسناد این چنینی بازتابی نداشته باشد، می‌تواند در ریل‌گذاری آینده اقتصاد کشور آثار جبران‌ناپذیری برجای بگذارد.

همچنین در سند حاضر، اشاره‌ای به آثار احکام و سیاست‌های قیمتی سال جاری نشده است. اعمال افزایش قیمت‌ها در مقاطع مختلف، با اثرگذاری بر انتظارات مصرف‌کننده و البته تشدید تورم موجود در بازار، سبب بدتر شدن وضعیت معیشتی مردم شده است. به همین دلیل، عدم ارزیابی آثار سیاست‌های قیمتی سال جاری می‌تواند به تکرار اشتباهات گذشته منجر شود. به نظر می‌رسد بخشنامه بودجه ۱۴۰۶ بیش از آنکه به ارزیابی عملکرد سیاست‌گذاری اقتصادی دولت بپردازد، به توصیف شرایط دشوار اقتصاد کشور اختصاص یافته است؛ در حالی که بدون شناسایی خطاهای احتمالی سیاستی، امکان اصلاح مسیر و جلوگیری از تکرار اشتباهات گذشته وجود نخواهد داشت.

مهار تورم بدون برنامه

بخشنامه بودجه ابلاغ‌شده، مهار تورم را در شمار اولویت‌های اصلی دولت قرار می‌دهد؛ اما متن بخشنامه و دیدگاه سیاست‌گذار در آن، با این هدف سازگار و همراه نیست. مهم‌ترین تناقض بخشنامه با هدف مهار تورم، غیبت برنامه‌ای مشخص و روشن برای بازار ارز و ثبات بخشی به آن است. نرخ ارز در اقتصاد ایران صرفاً یک متغیر تجاری نیست، بلکه از مسیر هزینه مواد اولیه، ماشین‌آلات، نهاده‌های تولید و انتظارات تورمی بر سطح عمومی قیمت‌ها اثر می‌گذارد. بنابراین، نمی‌توان از حمایت از تولید و مهار تورم سخن گفت، اما برای ثبات‌بخشی به محیط ارزی برنامه مشخصی نداشت.

همچنین در سند ابلاغی، تأکید ویژه‌ای بر اصلاح ناترازی‌ها شده است؛ اما اگر قرار باشد مانند دو سال گذشته، هرگونه اصلاح در بازار فرآورده‌ها و انرژی از مسیر سیاست‌های قیمتی عبور کند و با شوک به بازارها همراه باشد، نمی‌توان این سیاست را با اولویت اول دولت (یعنی ثبات‌بخشی به شاخص‌های کلان اقتصاد و مهار تورم) هم‌راستا دانست و حتی باید بر وجود تناقض میان این سیاست و اهداف کلان مدنظر دولت تأکید کرد. در واقع باید بیان داشت که بخشنامه از مهار تورم سخن می‌گوید، اما درباره مهم‌ترین متغیرهای اثرگذار بر تورم و نحوه مدیریت آن‌ها (از جمله نرخ ارز و سازوکار اصلاح قیمت انرژی)، تصویر روشنی ارائه نمی‌کند.

وعده‌هایی بدون نقشه

دیگر نقد وارد بر بخشنامه بودجه ۱۴۰۶، فاصله معنادار میان اهداف ترسیم‌شده و ابزارهای اجرایی مبهم آن است. برای مثال، حفظ سطح زندگی خانوارها و حمایت هدفمند از اقشار آسیب‌پذیر از اهداف اعلام‌شده در بخشنامه است؛ با این حال باید توجه داشت که حمایت معیشتی زمانی اثربخش خواهد بود که در کنار پرداخت‌های جبرانی، عوامل اصلی کاهش قدرت خرید نیز مهار شوند. اگر تورم مزمن، بی‌ثباتی ارزی و افزایش هزینه‌های ضروری خانوار ادامه یابد، حمایت‌هایی مانند کالابرگ یا پرداخت‌های نقدی ممکن است تنها بخشی از فشار کوتاه‌مدت را جبران کنند و نتوانند آثار انباشته افزایش قیمت‌ها را از میان ببرند. ازاین‌رو، بخشنامه باید روشن کند که حمایت از خانوارها چگونه با سیاست‌های ضدتورمی، ثبات بازار کالاهای اساسی، کاهش هزینه‌های تولید و جلوگیری از جهش‌های قیمتی پیوند می‌خورد. در غیر این صورت، سیاست حمایتی به‌جای آنکه بخشی از یک برنامه جامع برای صیانت از معیشت باشد، به سازوکاری جبرانی در برابر پیامدهای مهارنشده سایر سیاست‌ها تبدیل می‌شود. در موردی دیگر، بخشنامه مجموعه‌ای از اهداف مهم از جمله مهار تورم، حفظ تولید و اشتغال، بازسازی ظرفیت‌های آسیب‌دیده، افزایش سرمایه‌گذاری و تقویت تاب‌آوری اقتصادی را مطرح کرده است؛ اما برای بسیاری از این اهداف، شاخص سنجش، زمان‌بندی، مسئول مشخص و ابزار اجرایی دقیقی ارائه نشده است. برای مثال، حفظ تولید صرفاً با اعلام اولویت یا پرداخت تسهیلات محقق نمی‌شود، بلکه به ثبات مقررات، دسترسی قابل‌پیش‌بینی به ارز و مواد اولیه، سرمایه در گردش و کاهش هزینه‌های مبادله نیاز دارد. همچنین دولت در بخشی از سند منتشرشده، درخواست افزایش اختیارات سیاستی خود را در شرایط عدم قطعیت شدید مطرح کرده است؛ اما طرح این درخواست بدون توضیح درباره حدود این اختیارات، حوزه‌های اعمال، سازوکار نظارت و پاسخ‌گویی، ابهام‌برانگیز است. در شرایط بحرانی ممکن است تصمیم‌گیری سریع ضروری باشد، اما سرعت عمل نباید به کاهش شفافیت یا تضعیف نظارت بر تصمیمات اقتصادی منجر شود. هر اختیار ویژه‌ای باید با هدف مشخص، دامنه محدود، مدت اعتبار و سازوکار گزارش‌دهی همراه باشد که هیچ‌کدام از این موارد را نمی‌توان در سند منتشرشده مشاهده کرد.

چشم‌پوشی پاستور از ریشه‌های گرانی

بخشنامه بودجه ۱۴۰۶ اگرچه از نظر شناسایی برخی اولویت‌های اقتصادی (از جمله حفظ تولید، صیانت از اشتغال و حمایت از معیشت خانوارها) حاوی نکات درستی است، لیکن در تبیین ریشه‌های مشکلات و ارائه راهکارهای عملیاتی با خلأهای جدی مواجه است. نادیده گرفتن آثار سیاست‌های ارزی و قیمتی سال جاری، فقدان برنامه روشن برای ثبات‌بخشی به بازار ارز و ابهام در نحوه مدیریت ناترازی انرژی، این نگرانی را ایجاد می‌کند که بودجه سال آینده نیز به‌جای اصلاح مسیر سیاست‌گذاری، با تکرار برخی رویکردهای گذشته تدوین شود. در شرایطی که اقتصاد کشور بیش از هر زمان دیگری به ثبات، پیش‌بینی‌پذیری، تصمیمات هماهنگ و تاب‌آوری در برابر فشارهای خارجی نیاز دارد، صرف اعلام اهدافی همچون مهار تورم و افزایش تاب‌آوری نمی‌تواند تضمین‌کننده تحقق آن‌ها باشد.

نبض اقتصاد

چه کسانی ۹۰ درصد وام‌های ارزی سه بانک را بلعیدند؟

بررسی آخرین اطلاعات منتشرشده از تسهیلات کلان جاری بانک‌ها نشان می‌دهد سه بانک تجارت، صادرات و ملت بخش قابل توجهی از منابع ارزی خود را در اختیار تعداد محدودی شرکت قرار داده‌اند. داده‌ها نشان می‌دهد ۵ دریافت‌کننده بزرگ تسهیلات بانک صادرات بیش از ۹۰ درصد از کل تسهیلات دلاری این بانک را دریافت کرده‌اند؛ این سهم در بانک تجارت ۷۵ درصد و در بانک ملت ۴۹ درصد است.

بانک تجارت ۳۶.۷ هزار میلیارد تومان تسهیلات با ارز دلار آمریکا به ۱۲ شرکت پرداخت کرده است. صنایع پتروشیمی خلیج فارس با دریافت ۸ هزار میلیارد تومان در رتبه نخست قرار دارد و پس از آن، شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر با ۷.۲ هزار میلیارد تومان در رتبه دوم قرار گرفته است. پالایش گاز بیدبلند خلیج فارس، از زیرمجموعه‌های صنایع پتروشیمی خلیج فارس، با دریافت ۵.۱ هزار میلیارد تومان سومین دریافت‌کننده بزرگ تسهیلات دلاری این بانک است. گروه غذایی صنایع تبریز با ۴ هزار میلیارد تومان در رتبه چهارم و شرکت کاشی و سرامیک آرین‌تاک با ۳.۴ هزار میلیارد تومان در رتبه پنجم قرار دارند. از نظر مدت بازپرداخت، برای پتروشیمی گچساران بیش از ۱۲ سال، معدنی و صنعتی گل‌گهر بیش از ۱۰ سال، پالایش گاز بیدبلند خلیج فارس بیش از ۱۱ سال، صنایع غذایی آرین تبریز ۸ سال و کاشی و سرامیک آرین‌تاک ۷ سال فرصت بازپرداخت در نظر گرفته شده است. مجموع تسهیلات دریافتی این پنج شرکت به ۲۷.۷ هزار میلیارد تومان می‌رسد که معادل ۷۵.۷ درصد از کل تسهیلات دلاری بانک تجارت است.

وام‌های ارزی بانک صادرات به چه کسی رسید؟

بانک صادرات ۸۸.۴ هزار میلیارد تومان تسهیلات با ارز دلار آمریکا به ۳۵ ذی‌نفع واحد پرداخت کرده است. بررسی این تسهیلات نشان می‌دهد پنج ذی‌نفع بزرگ، سهم بسیار بالایی از کل وام‌های دلاری این بانک را به خود اختصاص داده‌اند. شرکت ملی نفت ایران با دریافت ۴۱.۷ هزار میلیارد تومان در رتبه نخست قرار دارد. راه‌آهن شهری تهران و حومه با ۲۴.۳ هزار میلیارد تومان در رتبه دوم قرار گرفته است. گروه گسترش نفت و گاز پارسیان با ۸.۱ هزار میلیارد تومان سومین دریافت‌کننده بزرگ تسهیلات دلاری بانک صادرات است. پس از آن، شرکت آلومینیوم ایران با ۴.۱ هزار میلیارد تومان در رتبه چهارم و شایان‌گستر ارومیه با ۱.۹ هزار میلیارد تومان در رتبه پنجم قرار دارند. همچنین تسهیلات گروه گسترش نفت و گاز پارسیان شامل سه فقره قرارداد با مدت بازپرداخت ۴ ساله و یک فقره قرارداد با مدت بازپرداخت ۱ ساله است. مجموع تسهیلات دریافتی این پنج ذی‌نفع به ۸۰.۳ هزار میلیارد تومان می‌رسد که معادل ۹۰.۸ درصد از کل تسهیلات دلاری بانک صادرات است.

شهرداری‌ها؛ بزرگ‌ترین وام‌گیرندگان بانک ملت

بانک ملت نیز ۴۹.۱ هزار میلیارد تومان تسهیلات با ارز دلار آمریکا به ۱۵ شرکت پرداخت کرده است. پنج شرکت با بیشترین رقم تسهیلات به‌ترتیب عبارتند از: توسعه نفت و گاز مپنا، پتروشیمی تبریز، شهرداری کرمانشاه، پارس ایزوتوپ و شهرداری تبریز. شرکت توسعه نفت و گاز مپنا با دریافت ۷.۸ هزار میلیارد تومان در رتبه نخست دریافت‌کنندگان تسهیلات دلاری بانک ملت قرار دارد. پتروشیمی تبریز با ۵.۲ هزار میلیارد تومان در رتبه دوم و شهرداری کرمانشاه با ۴.۲ هزار میلیارد تومان در رتبه سوم قرار گرفته‌اند.

شرکت پارس ایزوتوپ با دریافت ۳.۹ هزار میلیارد تومان در یک فقره تسهیلات، در رتبه چهارم قرار دارد. این شرکت در مجموع ۲۱ فقره تسهیلات دلاری دریافت کرده که مجموع آن‌ها به ۱۲.۸ هزار میلیارد تومان می‌رسد. شهرداری تبریز نیز با دریافت ۲.۸ هزار میلیارد تومان در رتبه پنجم قرار گرفته است. مجموع تسهیلات دریافتی این پنج شرکت به ۲۴.۱ هزار میلیارد تومان می‌رسد که حدود ۴۹ درصد از کل تسهیلات دلاری بانک ملت را تشکیل می‌دهد.

یادداشت

محدودیت سیاسی بر آزادی عمل نظامی؛ آینده ترامپ پس از انتخابات

دکتر غیاث الدین رحیمی
کارشناس مسائل بین الملل

انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره آمریکا با پیروزی بزرگ حزب دموکرات در هر دو مجلس نمایندگان و سنا همراه شد؛ نتیجه‌ای که در ادبیات سیاسی آمریکا از آن با عنوان «موج آبی» یاد می‌شود. حال این پرسش مطرح است که آیا واقعا دموکرات‌ها می‌توانند دولت ترامپ را محدود کنند؟ پاسخ در برخی حوزه‌ها مثبت است، اما نه به آن سادگی که تصور می‌شود. کنگره علاوه بر قانون‌گذاری، ابزارهای مهمی برای نظارت بر دولت و ایجاد مانع در مسیر برنامه‌های رئیس‌جمهور دارد که تصویب بودجه و تحقیقات نظارتی از مهم‌ترین آن‌ها ست.

تصویب بودجه توسط کنگره اگرچه از جنس قانون‌گذاری است اما باید هر سال انجام شود و رئیس‌جمهور نمی‌تواند نسبت به آن بی‌تفاوت باشد. از جمله اختیارات مهم کنگره، تعیین سقف بدهی‌های فزاینده دولت فدرال است که اکنون به ۴۰ تریلیون دلار رسیده است. ترامپ حتی در دو سال اول خود نیز در این زمینه با مشکل روبرو بود، در آینده به نظر می‌رسید این چالش سخت‌تر خواهد شد. بر همین اساس ترامپ برای تصویب بودجه جنگی توسط کنگره هم کار سختی خواهد داشت.

همچنین دموکرات‌ها قصد دارند از ابزارهای نظارتی برای احضار مقام‌های دولت ترامپ و پاسخ‌خواهی درباره عملکرد دو سال گذشته استفاده کنند. مقام‌های اقتصادی مسئول تعرفه‌های گسترده، به دلیل فشار بر شرکت‌ها و شهروندان آمریکایی و نارضایتی کشورهای هم پیمان، از اهداف اصلی خواهند بود. با این حال پیت هگست، وزیر جنگ، مهم‌ترین هدف احتمالی جلسات استماع خواهد بود؛ از جمله برای پاسخ‌گویی درباره سیاست‌های داخلی پنتاگون و ناکامی در جنگ با ایران. این فشارها گمانه‌زنی‌هایی درباره استعفا، برکناری یا استیضاح هگست برانگیخته است.

با همه این اوصاف باید در نظر داشت که نظام حکومتی آمریکا ریاستی است و این به معنای قدرت زیاد رئیس‌جمهور در اداره امور کشور است. او می‌تواند در چارچوب قانون اساسی و قوانین موجود دستورهای اجرایی صادر کند و مصوبات کنگره را وتو کند؛ وتویی که تنها با رأی دوسوم هر دو مجلس قابل بی‌اثر شدن است. همچنین باید در نظر داشت اگرچه کنگره می‌تواند آزادی عمل رئیس‌جمهور را محدود کند، اما نمی‌تواند اختیارات او را سلب کند. به ویژه در مورد جنگ با ایران باید توجه داشت که رئیس‌جمهور همچنان فرمانده کل قوا است و بدون نگرانی از سوی کنگره، می‌تواند جنگ‌هایی همانند جنگ رمضان را با اختیارات قانونی خود آغاز کند. به این ترتیب باید گفت، مشکل اصلی که برای ترامپ رخ خواهد داد، مزاحمت‌ها و فشارهای سیاسی است که کنگره ایجاد می‌کند اما اگر ترامپ واقعا بخواهد اقداماتی از نوع حمله جنگ رمضان به ایران و نه آنچه در جنگی مثل عراق رخ داد را انجام دهد، کنگره توان توقف آن را ندارد.

بین الملل

اعتراف مهم ونس: دلیل شکست ما جنگ با ایران بود



درحالی‌که شب گذشته انتشار اخبار غیررسمی درباره نزدیک شدن تهران و واشنگتن به توافق، به ابزاری برای اثرگذاری بر بازار نفت و فضای سیاسی آمریکا تبدیل شده بود، موضع صریح محسن رضایی نشان داد که ایران حاضر نیست حقوق و مطالبات خود را قربانی نمایش‌های انتخاباتی کاخ سفید کند. پس از شکست جمهوری‌خواهان سیل تحلیل‌ها و سرزنش‌ها علیه دولت ترامپ آغاز شده است. دونالد ترامپ، خود در گفت‌وگو با شبکه فاکس‌نیوز بعد از شکست وسیع در انتخابات میان‌دوره‌ای اعتراف کرد: «(خب، من تاحدی غافلگیر شده‌ام. فکر می‌کردم عملکرد بهتری داشته باشند.)»
همچنین جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا جنگ با ایران را عامل اصلی ناکامی جمهوریخواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای دانست و گفت شمار قابل‌توجهی از رأی‌دهندگان دونالد ترامپ در انتخابات سال ۲۰۲۴، این بار به نامزدهای دموکرات رأی داده‌اند.



انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا به رفراندوم علیه حماقت ترامپ در حمله به ایران تبدیل شد

باخت تاریخی ترامپ به ایران، در انتخابات امریکا

انتخابات میان‌دوره‌ای سوم نوامبر ۲۰۲۶ آمریکا با شکست سنگین جمهوری‌خواهان و بازگشت دموکرات‌ها به اکثریت هر دو مجلس سنا و نمایندگان همراه شد؛ شکستی که فراتر از جابه‌جایی کرسی‌های کنگره، نشانه‌ای از فرسایش پایگاه سیاسی دونالد ترامپ و اعتراض رأی‌دهندگان آمریکایی به سیاست‌های کاخ سفید است. جنگ با ایران، بحران هزینه‌های زندگی، تعرفه‌ها و نارضایتی عمومی، از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری موج آبی علیه جمهوری‌خواهان ارزیابی می‌شوند.

احسان میرباقری
روزنامه‌نگار

نتایج انتخابات میان‌دوره‌ای سوم نوامبر ۲۰۲۶ آمریکا، ضربه‌ای سنگین به دونالد ترامپ و حزب جمهوری‌خواه وارد کرد. جمهوری‌خواهان پیش از انتخابات با اکثریتی شکننده، حدود ۵۳ کرسی در سنا و نزدیک به ۲۱۸ کرسی در مجلس نمایندگان، کنترل کنگره را در اختیار داشتند؛ اما نتایج انتخابات معادلات سیاسی واشنگتن را تغییر داد. براساس ارقام اولیه اعلام‌شده، دموکرات‌ها در سنا به حدود ۵۴ کرسی در برابر ۴۴ کرسی جمهوری‌خواهان دست یافتند و در مجلس نمایندگان نیز با عبور از مرز ۲۲۸ کرسی، اکثریتی قابل‌توجه به دست آوردند. اهمیت این شکست زمانی روشن‌تر می‌شود که بدانیم جمهوری‌خواهان تنها در ایالت‌های رقابتی شکست نخوردند، بلکه در مناطقی که تا پیش از این از پایگاه‌های نسبتاً مطمئن آنان محسوب می‌شد نیز میدان را واگذار کردند.

سقوط جمهوری‌خواهان در پایگاه‌های سنتی

در رقابت‌های سنا، دموکرات‌ها موفق شدند چندین کرسی مهم جمهوری‌خواهان را تصاحب کنند. در تگزاس، جیمز تالاریکو، نامزد دموکرات، بر کن پکستون، نامزد مورد حمایت ترامپ، پیروز شد؛ نتیجه‌ای که در صورت تثبیت نهایی، یک تحول تاریخی در سیاست انتخاباتی این ایالت محسوب می‌شود.
در کانزاس نیز آدام همیلتون توانست راجر مارشال، سناتور جمهوری‌خواه، را شکست دهد. در آیووا، جاش تورک بر اشلی هینسون پیروز شد و در کارولینای جنوبی، آنی اندروز موفق شد دارلین گراهام (خواهر لیندسی گراهام به درک واصل شده) را کنار بزند. شرود براون در اوهایو به سنا بازگشت و تروی جکسون نیز سوزان کالینز، سناتور باسابقه جمهوری‌خواه مین، را شکست داد. در کارولینای شمالی هم روی کوپر توانست مایکل واتلی را مغلوب کند.
نکته مهم آن است که طبق رتبه‌بندی نهای کوک پلیتیکال رپورت، آلاسکا، آیووا، کانزاس، مین، اوهایو و تگزاس در زمره رقابت‌های نزدیک انتخاباتی قرار داشتند. جمهوری‌خواهان تقریباً تمام این کرسی‌ها را از دست دادند و تنها وضعیت آلاسکا همچنان نیازمند نهایی شدن شمارش آرا بود. از سوی دیگر، شکست در ایالت‌هایی مانند تگزاس، کانزاس و کارولینای جنوبی، نشان داد موج اعتراضی صرفاً به ایالت‌های خاکستری و رقابت‌های نزدیک محدود نمانده است. در مجلس نمایندگان نیز دموکرات‌ها ده‌ها کرسی را از جمهوری‌خواهان گرفتند. حتی تغییر نقشه انتخاباتی در برخی حوزه‌ها که با هدف تثبیت موقعیت جمهوری‌خواهان انجام شده بود، نتوانست مانع پیشروی دموکرات‌ها شود.

جنگ ایران؛ پاشنه‌آشیل ترامپ

اما در میان عوامل مختلف شکست جمهوری‌خواهان، جنگ با ایران جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است. مجموعه‌ای از واکنش‌های رسانه‌ای و سیاسی در آمریکا و حتی رژیم صهیونیستی نشان می‌دهد که پیامدهای این جنگ به یکی از موضوعات اصلی مناقشه داخلی آمریکا تبدیل شده است. روزنامه صهیونیستی یدیعوت آحارونوت در واکنش به نتایج انتخابات از وارد شدن ضربه‌ای سنگین به ترامپ خبر داد. رسانه اوسینت اسرائیلی نیز نوشت ترامپ شکست سختی خورده و کسانی که روی او به عنوان اسبی تازنده حساب کرده بودند، دیگر نمی‌توانند چنین کنند.
لوک رودکوفسکی، روزنامه‌نگار مستقل آمریکایی، با اشاره به پیامدهای جنگ ایران و پرونده اپستین نوشت: «چه کسی فکرش را می‌کرد که به راه انداختن جنگ ایران و لاپوشانی برای حلقه افراد بانفوذ مرتبط با اپستین، باعث شود انتخابات میان‌دوره‌ای را از دست بدهی؟
در همین چارچوب، تریتا پارسی، تحلیلگر مسائل ایران، در واکنشی قابل توجه به نتایج انتخابات نوشت: «بیایید صادق باشیم؛ دموکرات‌ها در انتخابات میان‌دوره‌ای پیروز نشدند. ایران پیروز شد.»

دلارهای ماسک نتوانست ترامپ را نجات دهند

یکی دیگر از ابعاد قابل توجه این انتخابات، شکست پروژه مالی جمهوری‌خواهان بود. ایلان ماسک، میلیاردر آمریکایی و از حامیان اصلی ترامپ، در چرخه انتخاباتی ۲۰۲۵ و ۲۰۲۶ حدود ۴۴۵ تا ۴۵۸ میلیون دلار و طبق برخی برآوردها با احتساب گروه‌های غیرانتفاعی تحت کنترل خود تا حدود ۴۷۴ میلیون دلار به جریان‌های حامی جمهوری‌خواهان کمک کرد.
ترامپ پیش‌تر وعده داده بود در صورت پیروزی جمهوری‌خواهان، به هر آمریکایی بزرگسال ۵ هزار دلار پرداخت کند؛ به این معنا که هر زوج می‌توانستند ۱۰ هزار دلار دریافت کنند. این وعده با توجه به قدرت خرید آن در اقتصاد آمریکا، رقم قابل توجهی محسوب می‌شد و می‌توانست برای بخشی از رأی‌دهندگان جذاب باشد.
با این حال، نه این وعده اقتصادی توانست اعتماد عمومی را جلب کند و نه هزینه‌های سنگین تبلیغاتی و حمایت میلیاردرها توانستند افکار عمومی را به سود جمهوری‌خواهان تغییر دهند.

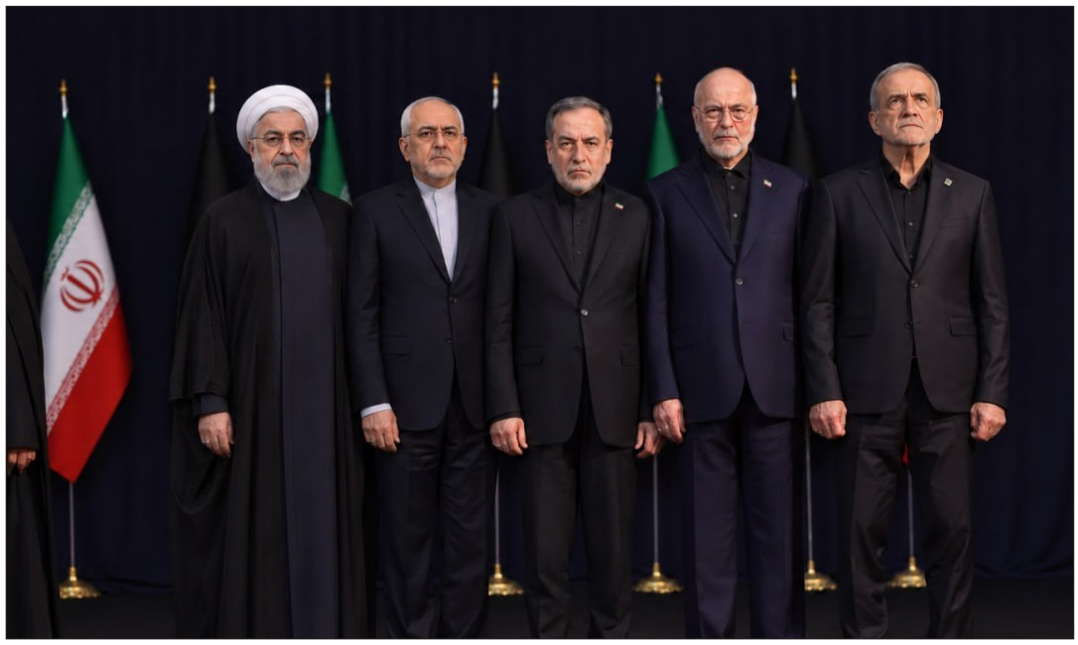
شکست سنگین ترامپ

ترامپ که با وعده‌های اقتصادی، قدرت‌نمایی نظامی و حمایت گسترده ثروتمندان آمریکایی وارد رقابت انتخاباتی شده بود، اکنون با یکی از سنگین‌ترین شکست‌های سیاسی جمهوری‌خواهان مواجه شده است. دموکرات‌ها در ایالت‌های رقابتی و حتی پایگاه‌های سنتی جمهوری‌خواهان پیروز شدند؛ ایلان ماسک صدها میلیون دلار هزینه کرد، اما نتوانست نتیجه را تغییر دهد و جنگ ایران به یکی از پاشنه‌آشیل‌های انتخاباتی دولت آمریکا تبدیل شد.

طیفی از مسئولان و چهره‌های سیاسی، با ارسال پالس‌های مذاکره و پیشنهاد بازگشایی تنگه هرمز، تلاش داشتند تا برای ترامپ پنجره فرار درست کنند

سند رسوایی دیپلماسی امتیازدهی

انتخابات میان‌دوره‌ای سوم نوامبر ۲۰۲۶ آمریکا با شکست سنگین جمهوری‌خواهان و بازگشت دموکرات‌ها به اکثریت هر دو مجلس سنا و نمایندگان همراه شد؛ شکستی که فراتر از جابه‌جایی کرسی‌های کنگره، نشانه‌ای از فرسایش پایگاه سیاسی دونالد ترامپ و اعتراض رأی‌دهندگان آمریکایی به سیاست‌های کاخ سفید است. جنگ با ایران، بحران هزینه‌های زندگی، تعرفه‌ها و نارضایتی عمومی، از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری موج آبی علیه جمهوری‌خواهان ارزیابی می‌شوند.



محسن فرهمند
روزنامه‌نگار

نتایج انتخابات میان‌دوره‌ای مجلسین آمریکا در سوم نوامبر ۲۰۲۶، شکستی سنگین برای دونالد ترامپ و جمهوری‌خواهان رقم زد. اما نکته مهم‌تر از نتیجه انتخابات، اعتراف صریح ترامپ و رسانه‌ها و چهره‌های نزدیک به جمهوری‌خواهان درباره یکی از عوامل اصلی این شکست بود: جنگ با ایران.

ترامپ در گفت‌وگو با فاکس نیوز پذیرفت که ایران در نتیجه انتخابات نقش داشته است. او ضمن دفاع از جنگ مدعی شد مردم اهمیت تاریخی اقداماتش علیه ایران را درک می‌کنند، اما احتمالاً حاضر نبوده‌اند پیامدهای کوتاه‌مدت آن، از جمله افزایش قیمت بنزین، را تحمل کنند. وی در گفت‌وگو با وال استریت ژورنال نیز گفت: «ایران بخشی از آن بود» و تأکید کرد که اگر دوباره به عقب بازگردد، باز هم همان تصمیم را می‌گیرد.

شان هانیتی، از نزدیک‌ترین حامیان رسانه‌ای ترامپ، در پاسخ به این پرسش که آیا بدون جنگ ایران نتیجه انتخابات متفاوت می‌شد، گفت: «صد درصد. هیچ شکی ندارم.» مت والش، چهره رسانه‌ای محافظه‌کار، نیز جنگ نامحبوب و افزایش قیمت بنزین و مواد غذایی را از عوامل شکست جمهوری‌خواهان دانست. شان دیویس، بنیان‌گذار فدرالیست، این شکست را بزرگ‌ترین ناکامی ملی جمهوری‌خواهان از سال ۲۰۰۶ توصیف کرد. و دیسانتیس سناتور جمهوری‌خواه اظهار داشت: جنگ علیه ایران برای جمهوری‌خواهان کمرشکن بود. بنابراین، حتی نزدیک‌ترین متحدان ترامپ نیز نتوانستند هزینه سیاسی جنگ علیه ایران را انکار کنند.

در همین نقطه، فراز مهم پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی به مناسبت ۱۳ آبان اهمیت راهبردی پیدا می‌کند. ایشان فرمودند: «اگر هنوز کسانی هستند که اندک امیدی به تغییر رفتار یا جابه‌جایی‌های حزبی و جناحی در نظام سلطه دارند و یا تصوّر می‌کنند با امتیاز دادن به امریکا می‌توانند او را از دشمنی با ملّت ایران منصرف کنند، سخت در اشتباه‌اند.» ایشان همچنین هشدار دادند که آرزوی شیطان بزرگ تسلیم بی‌قیدوشرط ملت ایران است و هرگونه گرایش تسلیم‌آمیز، سرمایه حاصل از خون شهدا را برباد می‌دهد و دشمن را برای زیاده‌خواهی و جسارت‌های بعدی جری‌تر می‌کند.

توهم پل پیروزی در قابل توافق بد

مرور تحولات ۹ ماه گذشته، از جنگ ۳۹ روزه و ترور رهبر شهید در ۹ اسفند تا تفاهم اسلام‌آباد و تحولات اخیر، می‌تواند کارنامه کسانی را روشن کند که با ساده‌اندیشی و محاسبات نادرست، به‌جای تقویت اهرم‌های ایران، به دنبال ساختن پل پیروزی برای ترامپ بودند.

محمدجواد ظریف یکی از نخستین و مستمرترین مدافعان این رویکرد بود. او در مقاله فروردین‌ماه خود در فارن‌افرز پیشنهاد کرد ایران از برتری خود برای پایان جنگ و دستیابی به توافق استفاده کند؛ توافقی که در ازای پایان تحریم‌ها، محدودیت‌هایی بر برنامه هسته‌ای ایران اعمال و تنگه هرمز بازگشایی شود. ظریف حتی پیشنهاد پیمان عدم تجاوز و تعامل اقتصادی با آمریکا را مطرح کرد. او در تیرماه ۱۴۰۵ نیز با ادعای شکننده بودن اهرم تنگه هرمز را مطرح کرد و خواستار خویشتن‌داری تهران شد. دردآورتر آنکه در سایه وفاق پزشکیان و قالیباف و تسلط نگاه برجامی بر بخشی از تصمیم‌سازی‌ها، همین مسیر در عمل دنبال شد و نتیجه آن، تفاهم اسلام‌آباد و فریب آشکار طرف آمریکایی بود.

محمدباقر قالیباف نیز ضلع مهم این ماجراست. اجرلو، مشاور پرحاشیه او، در دفاع از ضرورت استفاده از فرصت باقی‌مانده تا انتقال قدرت در آمریکا، تأکید کرده بود که ترامپ تا ژانویه همچنان قدرت اجرایی دارد و می‌توان در این فاصله، بدون اعتماد به او، توافقی انجام داد، امتیاز گرفت و برای جنگ مجدد آماده شد. مجید شاکری، دیگر مشاور قالیباف، که در هفته های اخیر به این رویکرد تسلیم آمیز نقد پیدا کرده، گفت: «ما به اسلام‌آباد رفتیم که به ترامپ پل پیروزی بدهیم و پایان جنگ در چنین شرایطی بهترین برد برای ترامپ می‌شد و خداوند جلوی این را گرفت.»

تقلا برای امتیازدهی تا چند ساعت مانده به انتخابات

در سوی دیگر، پزشکیان و عراقچی نیز با ارسال سیگنال‌های مذاکره‌ای، عملاً در شکل‌گیری فضای مورد نیاز ترامپ نقش داشتند. رویترز در گزارش اول نوامبر با عنوان «نفت با اعلام آمادگی ایران برای مذاکرات صلح ۷ درصد سقوط کرد» نوشت قیمت نفت برنت با افت ۷.۶۳ درصدی به ۱۰۴ دلار و ۷۷ سنت رسید. این رسانه علت اصلی را افزایش امیدواری به پایان جنگ پس از دریافت پیام‌های تهران و به خصوص موضع و ادعای پزشکیان در خصوص دریافت اختیارات مذاکره‌ای از رهبری عنوان کرد. ترامپ نیز در دوم نوامبر مدعی شد قیمت نفت به دلیل تمایل ایران به توافق در حال سقوط است.

سفر غریب‌آبادی به قطر و تسهیل تبادل پیام‌ها میان تهران و واشنگتن نیز در همین چارچوب قرار گرفت. بقایی اعلام کرد مطالبات ایران منتقل شده و قالیباف همچنان مذاکره‌کننده ارشد است. هم‌زمان، عراقچی از طرح بازگشایی دو روزه تنگه هرمز سخن گفت؛ طرحی که اجرای آن را به انجام اقدامات مورد مطالبه ایران از سوی آمریکا در روز نخست و بازگشایی تنگه در روز دوم مشروط می‌کرد. با این حال، انتشار همین پیام‌ها، بر انتظارات بازار اثر گذاشت و قیمت نفت را از سقف ۱۱۹ دلار روز جمعه به محدوده ۱۰۵ دلار رساند.

اکنون اعتراف ترامپ به نقش جنگ ایران در شکست انتخاباتی جمهوری‌خواهان، معنای این پالس‌ها را روشن‌تر می‌کند. ترامپ از فشار اقتصادی و سیاسی جنگ آسیب دید، اما برخی در داخل به‌جای تشدید این فشار و تحمیل هزینه بر واشنگتن، با وعده مذاکره و بازگشایی تنگه، به او فرصت تنفس دادند. در این میان پزشکیان نشان داده است که در سایه ساده‌اندیشی مفرط خود و تسلط کامل برجامی ها بر ذهن وی مهمترین رکن تصمیمات، مواضع و عملکرد اشتباهی بوده است که سعی در کوچه دادن به ترامپ و ساخت پل پیروزی برای وی داشت. عراقچی نیز حتی تا آخرین ساعات منتهی به انتخابات آمریکا از مواضع اشتباه دست برنداشت. اکنون زمان آن است که با تغییرات اساسی در رویکردها و برخورد با مسببان خطاهای پرهزینه، اجازه داده نشود تجربه های تلخ بار دیگر تکرار شود.

از اعتراف ترامپ تا رسوایی دیپلماسی امتیازدهی

رهبر معظم انقلاب در پیام ۱۳ آبان نسبت به هرگونه امید بستن به تغییر رفتار آمریکا از مسیر جابه‌جایی‌های حزبی و جناحی یا امتیازدهی به واشنگتن هشدار دادند. اکنون شکست انتخاباتی ترامپ و اعتراف نزدیکان او به نقش جنگ ایران، در کنار مواضع ظریف، پزشکیان، عراقچی و قالیباف، ضرورت بازخوانی خطاهای راهبردی ماه‌های گذشته و جلوگیری از تکرار تجربه پرهزینه تفاهم اسلام‌آباد را دوچندان کرده است.

یادداشت

جنگ، پرده از بی‌سوادی مدعیان برداشت

پدرام حسینی
روزنامه‌نگار

جنگ ۱۲ روزه، جنگ ۳۹ روزه و تحولات یک سال و نیم گذشته، بیش از هر چیز صحنه آشکار شدن ضعف و بی‌اعتباری طیفی از مدعیان علم، کارشناسی و تخصص در حوزه روابط بین‌الملل و سیاست خارجی بود؛ افرادی که سال‌ها با اتکا به عناوین دانشگاهی و سوابق دیپلماتیک، برای کشور نسخه می‌پیچیدند، اما تحولات واقعی نشان داد فاصله تحلیل‌های آنان با واقعیت‌های قدرت، امنیت و معادلات منطقه‌ای تا چه اندازه عمیق است.

یکی از نمونه‌های برجسته این وضعیت، حمزه صفوی، فرزند سرلشکر یحیی رحیم صفوی، فرمانده اسبق کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است؛ فردی که کرسی استادی و ریاست گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران را در اختیار گرفته، اما مواضع یک سال اخیرش پرسش‌های جدی درباره میزان تسلط او بر بدیهیات روابط بین‌الملل ایجاد کرده است. صفوی با بهره‌مندی از امتیازات ناشی از آقازادگی، در تأسیس اندیشکده‌های برخوردار از بودجه و تصاحب موقعیت‌های دانشگاهی نیز حضور داشته و هم‌زمان تلاش کرده است در قامت منتقد و حتی مخالف سیاست‌های رسمی کشور ظاهر شود.

نمونه روشن این تناقض، مواضع او درباره تنگه هرمز است. صفوی احتمال بستن این گذرگاه را اقدامی «جاهلانه»، غیرکارشناسی و غیرقابل تحقق توصیف کرد؛ حال آنکه پدر وی سرلشکر رحیم صفوی اخیراً از تهیه طرح عملیاتی بستن تنگه هرمز در سال ۱۳۹۰ به دستور رهبر شهید انقلاب، با مشارکت فرماندهان ارشد وقت سپاه خبر داده است. به این ترتیب، فرزند یکی از طراحان اصلی این راهبرد، همان طرح را جاهلانه توصیف کرده است؛ تناقضی که بیش از هر چیز ضعف شناخت او از محاسبات امنیتی کشور را نشان می‌دهد. ادعای دیگر صفوی درباره برنامه هسته‌ای ایران بود. او مدعی شد جمهوری اسلامی همواره قصد ساخت سلاح هسته‌ای را داشته، اما نتوانسته است؛ ادعایی که با موضع رسمی کشور مبنی بر تفاوت اساسی میان «نخواستن» و «نتوانستن» در تعارض است و توان علمی دانشمندان ایرانی را نیز نادیده می‌گیرد.

یکی دیگر از ارکان این وضعیت، کادر مشورتی وزارت امور خارجه است؛ دستگاهی که باید بازوی تخصصی نظام در طراحی و اجرای سیاست خارجی باشد. میثم ظهوریان، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس، در اظهاراتی درباره تحلیل‌های پیش از جنگ این وزارتخانه، به نکته مهمی اشاره کرده و گفته است: «برخی نهادها مانند وزارت خارجه با فعال‌سازی اهرم ژئوپلیتیک تنگه هرمز مخالف بودند.»

در همین چارچوب، کوروش احمدی، از دیپلمات‌های بازنشسته باند نیویورکی‌ها، نمونه دیگری از این رویکرد است. او، در مرداد و شهریور ۱۴۰۴ صراحتاً بستن تنگه هرمز را «بدون تردید در حکم خودکشی» توصیف کرد. استدلال‌هایش نیز مجموعه‌ای از پیش‌بینی‌های قطعی درباره صدور قطعنامه شورای امنیت، همراهی روسیه و چین با آمریکا، تقابل چین با ایران به دلیل وابستگی انرژی و حمله نظامی آمریکا به دارایی‌های منطقه‌ای کشور بود. اکنون باید دید این مدعیان در قبال مواضع اشتباه خود چه توجیهی دارند.

نوبنیاد

■ صاحب امتیاز: محسن منصوری
■ مدیرمسئول: حمیدرضا بیانی
■ تلفن: ۸۸۴۹۹۳۷۲-۰۲۱
■ کدپستی: ۱۵۹۸۹۷۵۷۱۵
■ آدرس: خ سپهبد قرنی خ شاداب پلاک ۲۲ واحد پنج
■ چاپخانه: صمیم

nobonyadonline nobonyadonline

nobonyadonline.ir

■ پنجشنبه ۱۴ آبان ۱۴۰۵ ■ سال اول ■ شماره ۱۷۸

یادداشت

دلقک‌ها بر علیه پهلوانان

وحید ناظری
روزنامه‌نگار

در روزهایی که کشتی ایران در رقابت‌های جهانی آستانه قزاقستان بار دیگر قدرت خود را به نمایش گذاشت، واکنش برخی چهره‌های سرگرمی‌ساز و فعالان فضای مجازی به جای پرداختن به دستاوردهای ورزش ملی، به تمسخر مربیان و قهرمانان کشتی اختصاص پیدا کرده است. گویی این دلقک‌ها کمر بسته‌اند هر جا ایرانیان احساس غرور می‌کنند، بذر تحقیر و ناامیدی بکارند. بی‌وطنی امثال ابوطالب حسینی در برنامه جام جهانی و با صحبت‌هایش علیه بازیکنان تیم ملی فوتبال، نمونه دیگری از این رویکرد بود. در برنامه‌ای که قرار بود به پوشش یک رویداد ملی بپردازد، پرسش‌هایی درباره بازیکنان تیم ملی مطرح شد که واکنش‌های انتقادی زیادی به دنبال داشت. نقد عملکرد تیم ملی فوتبال حق هر شهروندی است، اما تبدیل تحقیر نمایندگان کشور به ابزار سرگرمی، موضوع دیگری است. اکنون نیز برخی اظهارنظرها درباره پژمان درستکار و نتایج کشتی آزاد، بدون توجه به ابعاد فنی و تاریخی این رشته مطرح می‌شود.

اما برای فهمیدن جایگاه کشتی ایران، بد نیست به جای شوخی‌های مجازی، کمی به جدول مسابقات نگاه کنیم. در رقابت‌های قهرمانی جهان ۲۰۲۶ آستانه، تیم ملی کشتی فرنگی ایران با چهار مدال طلا، سه نقره و دو برنز و کسب ۱۹۲ امتیاز، برای دومین دوره متوالی قهرمان جهان شد. فاصله ایران با جمهوری آذربایجان، تیم دوم مسابقات، ۸۸ امتیاز بود. این تیم در ۹ وزن از ۱۰ وزن مسابقات صاحب مدال شد و هفت کشتی‌گیر ایرانی به فینال رسیدند. هر دو رکورد، دستاوردهایی تاریخی برای کشتی فرنگی ایران محسوب می‌شوند.

در کشتی آزاد نیز ایران با دو طلا، یک نقره و سه برنز و ۱۳۳ امتیاز روی سکوی سوم جهان ایستاد. این ششمین دوره متوالی بود که آزادکاران ایران به سکوی تیمی مسابقات جهانی می‌رسیدند. در مجموع، کشتی ایران با ۱۵ مدال شامل شش طلا، چهار نقره و پنج برنز، تنها کشوری بود که در هر دو رشته آزاد و فرنگی روی سکوی تیمی جهان قرار گرفت. این نتایج در دوره ریاست علیرضا دبیر بر فدراسیون کشتی به دست آمده است. فدراسیونی که از سال ۱۳۹۸ علاوه بر مدیریت تیم‌های ملی، بازسازی و تجهیز خانه‌های کشتی و زیرساخت‌های این رشته را نیز در دستور کار قرار داده است. البته هیچ مدیریتی را نباید از نقد مصون دانست، اما نقد عملکرد یک مربی یا فدراسیون باید با شناخت رشته، مقایسه نتایج و فهم الزامات فنی آن همراه باشد. نکته مهم اینجاست که شکست در کشتی بخشی از ذات رقابت است. حتی قهرمانان بزرگی مانند حسن یزدانی و رحمان عموزاد هم ممکن است در یک تورنمنت شکست بخورند. اتفاقا درباره عملکرد آزادکاران و تصمیم‌های فنی پژمان درستکار می‌توان بحث جدی کرد، اما تمسخر سرمربی تیم ملی -آن هم به دلیل شعرخوانی حماسی- جای تحلیل فنی را نمی‌گیرد. کسانی که از تریبون‌های رسانه‌ای و امکانات تولید برنامه در داخل کشور بهره می‌برند، دست‌کم باید بدانند میان طنز، نقد ورزشی و تحقیر دستاورد ملی تفاوت وجود دارد. اگر کسی کشتی را نمی‌شناسد، مجبور نیست درباره فنون و تاکتیک‌های آن نظر کارشناسی بدهد. اما وقتی پای قهرمانی جهان و تلاش ورزشکاران ایران در میان است، بی‌اطلاعی نباید به ژست روشنفکری و تمسخر تبدیل شود. کشتی ایران برای رسیدن به این جایگاه به سال‌ها تمرین، مربیگری، زیرساخت و سرمایه‌گذاری نیاز داشته است. دستاوردی که با چند دقیقه شوخی و چند پست کنایه‌آمیز از اعتبار نمی‌افتد.

با شکست جمهوری‌خواهان در انتخابات، هالیوود نفس راحتی کشید

صنعت سینمای آمریکا به رنگ ترامپ درنیامد

شکست جمهوری‌خواهان در انتخابات سنا و کنگره تاکنون بازتاب‌های گسترده‌ای در صنعت سرگرمی آمریکا داشت. این رویداد سیاسی نقطه عطفی در تقابل دیرینه سینما و کاخ سفید محسوب می‌شود. صنعت فیلم آمریکا همواره با محافظه‌کاران زاویه داشته است. حالا با از دست رفتن قدرت قانونگذاری توسط جمهوری‌خواهان هنرمندان احساس آزادی عمل بیشتری می‌کنند. در این گزارش به بررسی دقیق تأثیر این شکست بر استراتژی‌های تولید محتوا واکنش‌های ستارگان سینما و همچنین مرور درگیری‌های تاریخی میان دونالد ترامپ و چهره‌های شاخص هالیوود می‌پردازیم. همچنین بررسی می‌کنیم که چگونه حتی پروژه‌های ضد ایرانی نیز نتوانستند روایت پیروزی مورد نظر ترامپ را در این صنعت خلق کنند و تلاش‌های او برای تغییر شکل و شمایل سینما با وجود مأمورکردن سیلوستر استالونه به نتیجه نرسید و اتفاق خاصی نیفتاد تا این فصل از تنش‌ها ادامه یابد و برقرار بماند. این شرایط نشان می‌دهد که سیاست و هنر در آمریکا هرگز از هم جدا نیستند.



مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

رابطه دونالد ترامپ و هالیوود همواره پر از تنش و درگیری‌های لفظی بوده است. در دوران ریاست جمهوری او بسیاری از بازیگران و کارگردانان شناخته‌شده سینما به شدت با سیاست‌های او مخالفت کردند. بازیگرانی چون رابرت دنیرو و جین فوندا بارها در انظار عمومی از او انتقاد کردند، تا جائیکه این تقابل‌ها به یک جنگ تمام عیار فرهنگی تبدیل شد. ترامپ که از این فضا خشمگین بود تصمیم گرفت ساختار صنعت سینما را تغییر دهد. او حتی سیلوستر استالونه را مأمور کرد تا شکل و شمایل هالیوود را به نفع ارزش‌های محافظه‌کارانه دگرگون کند. اما این تلاش‌ها هیچ نتیجه ملموسی نداشت و اتفاق خاصی نیفتاد، زیرا استالونه به عنوان یک نماد سینمایی نتوانست بر بدنه لیبرال هالیوود تأثیر بگذارد و این صنعت همچنان مسیر مستقل خود را طی کرد. نباید فراموش کرد که هالیوود نیز از این تقابل‌ها برای پیشبرد منافع تجاری خود استفاده می‌کند و ادعاهای روشنفکرانه آن‌ها اغلب با واقعیت‌های سرمایه‌داری در تضاد است. آن‌ها در ظاهر خود را مدافع دموکراسی و آزادی بیان معرفی می‌کنند اما در باطن تنها به فکر کسب سود و حفظ جایگاه انحصاری خود هستند.

در همین راستا باید به این نکته مهم اشاره کرد که حتی فیلم‌های ضد ایرانی هم نتوانستند برای این شخص روایت پیروزی بسازند. ترامپ و یارانش تلاش کردند با حمایت از پروژه‌های سینمایی خاص چهره ایران را در هالیوود تخریب کنند و یک روایت پیروزمندانه از سیاست‌های خارجی خود ارائه دهند. اما سینماگران هالیوودی در برابر این فشارها مقاومت کردند و دریافتند که ساخت فیلم‌های ضد ایرانی تنها به ضرر وجهه بین‌المللی آمریکا تمام می‌شود و هیچ دستاورد سیاسی واقعی برای کاخ سفید ندارد. به همین دلیل هیچ فیلم بزرگ و تأثیرگذاری در این زمینه ساخته نشد و تلاش‌های رسانه‌ای جمهوری‌خواهان برای استفاده ابزاری از سینما علیه ایران با شکست مواجه شد. این موضوع نشان داد که هالیوود حتی در مسائل ژئوپلیتیک نیز تابع منافع شخصی سیاستمداران نیست. با این حال این استقلال رأی به معنای پاکی ذاتی سینما نیست. هالیوود تنها زمانی به سیاستمداران پشت پا می‌زند که منافع مالی استودیوهای بزرگ در خطر باشد وگرنه در تولید آثار پروپاگاندا برای جنگ‌های دیگر نیز پیشقدم بوده است. این رویکرد دوگانه ثابت می‌کند سینما آمریکا صرفاً یک ابزار تجاری سود جوست.

اکنون با شکست اخیر جمهوری‌خواهان در سنا و کنگره این شکاف عمیق‌تر از همیشه نمایان شده است. دموکرات‌ها با در دست گرفتن قدرت قانونگذاری مسیر را برای حمایت از هنرمندان مستقل و تولید آثار متنوع هموار کرده‌اند. استودیوهای بزرگ سینمایی دیگر نگران سانسور یا فشارهای ایدئولوژیک از سمت دولت نیستند. آن‌ها می‌توانند با خیال راحت به سراغ موضوعات چالش‌برانگیز اجتماعی و سیاسی بروند. این فضا باعث می‌شود تا هالیوود بار دیگر به عنوان صدای لیبرال آمریکا عمل کند و روایت‌های انتقادی را روی پرده ببرد. در نهایت باید گفت که سیاستمداران آمریکایی هرگز نمی‌توانند بر روحیه هنری سینماگران غلبه کنند. هالیوود ثابت کرده است که در برابر هرگونه تلاش برای تغییر ماهیت آن مقاومت خواهد کرد. تحلیلگران بر این باورند که این تغییرات سیاسی می‌تواند به رشد اقتصادی صنعت سینما نیز کمک شایانی کند. وقتی هنرمندان احساس امنیت کنند خلاقیت آن‌ها شکوفا می‌شود و آثار باکیفیت‌تری تولید می‌کنند. این موضوع در نهایت باعث جذب مخاطبان بیشتر از سراسر جهان خواهد شد و درآمد استودیوها را به شکل چشمگیری افزایش می‌دهد. در نهایت این رقابت سیاسی صرفاً به نفع ساختار سرمایه‌سالار عموسام تمام می‌شود.

یادداشت

نمک‌نشناسی سلبریتی‌های رانتی

سعید مصباح
روزنامه‌نگار

مراسم تشییع حمید علی دوستی، پیشکسوت فوتبال و پدر ترانه علی دوستی، به صحنه‌ای مفتضحانه از نمک‌نشناسی و بی‌آبرویی جماعتی تبدیل شد که سال‌ها از امکانات و فرصت‌های همین کشور بهره برده‌اند، اما امروز حتی حاضر نیستند به سرود ملی آن احترام بگذارند.

علی دایی و عادل فردوسی‌پور، دو چهره‌ای که شهرت، هستی و موقعیت‌شان را در همین ساختار ورزشی جمهوری اسلامی به دست آورده‌اند، هنگام پخش سرود ملی از جای خود بلند نشدند و وقیحانه سر خود را پایین انداختند. عادل فردوسی‌پور حتی یک گام هم فراتر رفت و وقتی شخص کناری‌اش قصد داشت به احترام سرود ملی برخیزد، مانع او شد. این رفتاری عامدانه و توهین‌آمیز است که مستلزم آن است که این جماعت را در برابر آن پاسخگو کرد. اما ما جرا به این دو نفر ختم نمی‌شود. فرزین دبیری اسکویی، برادرزاده شهرام دبیری اسکویی، معاون سابق پارلمانی مسعود پزشکیان، که مشخص نیست چگونه به عضویت هیئت‌مدیره فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی رسیده است، در این تصاویر دیده می‌شود که مانند دایی و فردوسی‌پور به سرود ملی ایران بی احترامی می‌کند.

سوابق بسیاری از سلبریتی‌ها نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از کسانی که امروز به نظام و کشور لگد می‌زنند، همان‌هایی هستند که از کنار همین نظام خوردند و فربه شدند. از امکاناتش بهره بردند، با حمایت ساختارهایش به شهرت رسیدند و حالا با وقاحتی تمام‌عیار، از هیچ فرصتی برای لگدپرانی به کشور دریغ نمی‌کنند و هیچ هزینه‌ای هم نمی‌پردازند.

در مقابل، محرومان و فرودستانی که سال‌ها زیر سایه انحصار همین جماعت از فرصت‌های برابر محروم مانده‌اند، جانانه پای ارزش‌های کشور ایستاده‌اند. تفاوت این دو گروه در چیست؟ یکی از کشور نردبان ساخت و دیگری با وجود محرومیت، کشور را رها نکرد. اما علت این همه گستاخی چیست؟ هزینه توهین به کشور آن قدر پایین آمده که برخی سلبریتی‌ها حتی در روز روشن و مقابل دوربین‌ها از اهانت به سرود ملی ابایی ندارند.

اگر قرار بود این رفتار هزینه‌ای متناسب داشته باشد، آیا چنین جماعتی جرئت می‌کردند این‌گونه به نمادهای ملی بی‌حرمتی کنند؟ علی دایی سال‌هاست که به اردوگاه برانداز پیوسته و فردوسی‌پور نیز صراحتاً نقش پیاده نظام ناتو فرهنگی را در کشور ایفا می‌کند، اما در کمال تعجب همچنان بدون مانع خاصی در این کشور فعالیت می‌کنند و حتی یک بازخواست کوچک هم متوجه آنان نمی‌شود.

دلسوزان نظام جمهوری اسلامی اگر می‌خواهند که دیگر کسی جرأت اهانت به کشور را پیدا نکند و حتی برخی، مقدسات کشور را بی‌حرمت نکنند باید از دانه درشت‌هایی مانند دایی و فردوسی‌پور شروع کنند، وگرنه این جماعت مانند میوه کرم خورده، ذهن تمام جوانان این کشور را آلوده کرده و برای دشمن در داخل کشور پیاده نظام تربیت می‌کنند.

استقبال مردم از نمایش آئینی آنسوی سکوت



سوگواره نمایشی «آن سوی سکوت»، همزمان با ایام غم‌بار فاطمیه، از ششم آبان‌ماه در فضای معنوی بوستان ولایت تهران روی صحنه رفته است. این نمایش در نخستین هفته اجرا، با استقبال پرشور مخاطبان روبه‌رو شد و میزبان بیست هزار نفر از شهروندان و علاقه‌مندان به معارف خاندان اهل‌بیت (علیهم‌السلام) بود. شایان ذکر است تمامی سانس‌های این اثر تا پایان هفته، با ظرفیت کامل تکمیل شد. این اثر با روایتگری شخصیت سلمان فارسی، به بازخوانی عمیق ابعاد مظلومیت حضرت فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) می‌پردازد.

هدف اصلی سازندگان، ارائه روایتی تئاتری و احساسی از وقایع منتهی به شهادت بانوی دو عالم است تا تماشاگر را با فضایی معنوی و تأمل‌برانگیز روبه‌رو کند. این سوگواره به کارگردانی سعید اسماعیلی و تهیه‌کنندگی علیرضا کوهفر و سیدحنیف خیرالامور، به همت سازمان هنری رسانه‌ای اوج و با تولید مؤسسه مهنا ساخته شده است. نمایش «آن سوی سکوت» هر شب از ساعت ۱۸:۳۰ در بوستان ولایت تهران اجرا می‌شود و از عموم علاقه‌مندان دعوت می‌گردد تا در این محفل هنری و مذهبی حضور یابند.